تفصیل سوره فرکان

۲

بر این اساس دانشمندان، فرهنگ‌ها و صاحبان خرد، در جهت تبیین در آیات قرآن همت نموده و نوشتاریت قرآن را به مردم هدیه نمودند.

سدای تفسیر قرآن نیز با انگیزه آشنا بیشتر جامعه با مفاهیم به‌نام و انسان ناز قرآن فعالیت‌هایی را انجام داده که به گوش آن اشاره می‌شود:

۱- تشکیل جلست و کلاس‌های تفسیر قرآن.
۲- تشکیل دوره‌های کارورزی تفسیر و جلسات توجیهی برای طلاب و فارغ التحصیلان حوزه‌های علمیه.
۳- طراحی و اجرای مسابقات تفسیری در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها.
۴- اجراه مسابقات مقاله توسعی در موضوعات قرآنی.
۵- اجراه مسابقات سراسری تفسیر برای عوام مردم از سوره‌های شریف حج، قصص، اسراء، افطار، عکبوت، بوسف و پسر.

نظر به اینکه یکی از راه‌های انس با قرآن استفاده از فرغات تعطیلات نام‌دان و هنگام به‌نام قرآن، ماه مبارک رمضان است این سنت در سال ۱۳۸۵ به منظور پاسخگویی به هنر نیاز علاقه‌مندان، مسابقات سراسری تفسیر را در رشته مقطع سنی:

۱- نوجوانان (۱۳ تا ۱۷ سال)
۲- جوانان (۱۸ تا ۲۵ سال)
۳- بزرگسالان (۲۶ سال به بالا)

مقدمه:

ان‌هذا‌قرآن‌به‌هی‌اتق‌هي‌آموم‌(اسراء۹)
قرآن کتابی است که به استوارت‌های راه‌هایی که
کتابی که رسول گرامی اسلام متعبد وارد شده و حضرت
کاره‌های هم‌گون پاه‌پا تاریک بر شما مشتنه و گمره
کننده شد به قرآن پنداشته بردید.

بر افزایش قرآن را مانند مصطفی عطش
دانشمندان و به‌نام دل های فقیهان و شاهرا سالحان و
دوایی که پس از آن دردی باقی نماند و نوری که
هنراده‌هایی نیست قرآن داد.

 تمام این افشایانه به بار می‌شیند که قرآن را
بخویی تلاوت و در آیات نورانی آن تبیین و به دستورات
آن عمل کنیم

کتاب أزْتَرَّنَا الْكَّافِرُونَ مَبَالِغَ لِيَهْدُوهُ ابْنِهِ وَ لَيَتَّهَدُ كَرْمٍ
اورلوتالله‌ی»(صاد۳۹)

قرآن کتابی است مبارک که به سوی توانال کردن تا
مهم در آیات تدبر کنند و خریدند از آن بند
گیرند».

۱- تفسیر: حکم، صفحه ۱۷، حذف ۱۶
۲- تفسیر: حیاته، صفحه ۱۹۸
سیمای سوره فرقان

این سوره هفتاد و هفت آیه دارد و در مکه نازل شده است.

در آیه‌های اول این سوره، از قرآن، به فرقان تعبیر شده است که به معنای قضاوت‌گونه حقیقی از باطل می‌باشد.

لذا اینسوره، فرقان‌یانی گفته است.

این سوره شامل آیاتی درباره بیان‌های مشرکان و پاسخ آنان، سرگذشته اقوام پیشین همچون اصحاب رسول به‌سرعت مربوط در قیامت، نشانه‌های توحید و عظمت خداوند در طبیعت و مقایسه مؤمنان با کافران می‌باشد. امکان تغییر رنگ آیات این سوره درباره بیان‌های «عذاب‌الزمان» و بدن‌گاه راسیون خداوند می‌باشد که از آیهی 43 تا پایان سوره را در برگرفته است.

امید آن که با تلاوت و تدریب در این آیات و اصلاح رفتار و کردار خود بر اساس این صفات، اقامت‌های دریافت الطاف‌های در دنیا و آخرت به پهشته بینم را فراهم سازیم.
تفسیر سوره هفت‌گانه

۶- قرآن را قطعه فرستادیم تا بتدريج بر مردم بخوانی.

۷- روایتی از انسان نهادن

۸- وظیفه‌ای انسان هدف و اذار است. (تنزیه)

۹- کارهای الهی هدفند است و هدف از نازل کردن قرآن هشدار به همگان است. (زنز... لبکن لعلالین نفیرا)

۱۰- مبارک آنی که قرآن، سیلیق شناخت حق از باطل را بر بندان‌ش نازل کرد، تأ برای جهانیان ماهمی هشدار باشد.

نکته‌ها:

کلمه «بارک» که تیذا در قالب مامی به کار رفته است در این سوره به اصرار می‌باشد، (آیات 10 و 41) و همین ایم ممکن است از واژه «ترک» به معنی ثابت و پایدار باشد و ممکن است از واژه «آرک» به معنی خیر زیاد باشد. بنی کسی که قرآن را نازل کرد مشا خبرات بسیار است که توانسته‌ی برکت و خبر او همین توز در قرآن است. آی که برکت باالتر از قانون الهی که میلادی‌های انسان‌ها در طول تاریخ از ظلمات به نور هدایت کرده است.

قراوی دارای دو نژول است؛ یکبار در شب قدر به صورت دفعی بر پایمر نازل شد، «آن از ازنازه در لیله القدر».

و بار دیگر به صورت تدریجی و در مدت ۳۳ سال نازل شده است. (نزول الغفلان) همان‌گونه که در جای دیگر قرآن می‌خوانیم: «و قرآن اذاره بایها علی
پایام اکرم می‌فرماید: «هرگاه فتن‌ها همچون
یارههای شپ ظلمت افزار، شما را فرا‌گرفت، بر شما باد
به انس و همراهی با قرآن»

والله مراد قران، حضرت علی رضی الله علیه
«بی‌خوابانه» که قرآن یگانه خیر خوایی است که
خیانت نمی‌کند و هدایتگر است که گماه نمی‌سازد
و سخنگویی است که دروغ‌نامه‌های می‌گوید. هیچ‌کس با
قرآن همبستگی نشان مگر اینکه از کتی قرآن با
افراشته در هدایت و کاهشی از کوری و خلافت
برخاست».

آری، هر روز که از عمر جهان می‌گذر، بشر هر چه
پیش بیاید، بی‌خوابانه به ابتدا با خداوند، حی، بینوی و
کتاب آسمانی‌پی می‌برد، قرآن کتاب هدایت، نور، تذکر،
موصوع، برخاست، شفاه، حکمت و علم است. و در دربی‌ای
علم، کشتن قرآن از هر خطای به‌جه شده است.

کتابی که هرچه دیوان علم پیشرفت می‌کند،
شکوفات‌شده و صاحب آن با صراحت به همه
مخلوقان در طول تاریخ اعلام کرده که هرگز
نیم توانست مثل قرآن و حتی ملت یک سوره آن را
پیچیده، حتی اگر از همه مزه‌هاش متفکر کرده باشد
دارید استفاده کنید.

کتابی که در جامعی از ساده‌ترین تا مهم‌ترین
مسائل را برای بزرگ‌ترین تا دانشمندترین افراد مطرح
قسم سوره هرکان

كرده و إنسان را به تواضع و خشوع و امید دارد. سازوار
امام شافعی گفت: "کسانی که سرور او هستند،" و
درمن دردهای خردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
و کشتی نجات است. راه سعادت ابدی را در میان
امواج خلافت کرده است.

البته با کمال تاسف امروز قرآن در میان
مسلمانان مهجور مانده است. بعضی افراد آن
نادردند، بعضی نیز خوانند و بعضی از اسیران و نکات آن
محاوراند و بعضی به آن عمل نمی‌کنند. این
مهجوریت شکایت‌های مسلمانان است. را در قیامت به
نیل دارد که می‌فرماید: "برادوردا، همانا قوم من
این قرآن را کردند".

این باید بدین‌گونه که قرآن، فقط کتاب تلاوت و تجوید,
حفظ و مسایقه و زیبایی سفره عقد و بدرقه مسافر و
ویله سوگدن و برس قبیر خواندن و در مراحل
افتتحیت برای جمع سندها دخالت می‌کند و امثال آن
نیست. گرچه این امور شناسان حضور قرآن در صحن
زندگی و احترام به آن است. اما تمامی این امور
عبره‌گاه است، نه توقفه‌ای. آنچه از تلاوت و ترتیب و
تجوید مهم‌تر است، تبلو و تفکر در آیات آن است که
خداوند به آن سفارش و کسانی را که از این مرحله
دور هستند توبه خریده است."
تفسیر سوره هرکان

یامی:

1- خداوندی نباید است. «هل ملك السموات... لم يتخذ» (نیاز به فرزند ندارد)

2- همهی افریقیها از سرچشمهی قدرت واحده برخاستند. «خلق كل شيء»

3- حاکمیت و تدبیر آسانه‌ها و زمین، به دست خالق هستی است. «هل ملك السموات... خلق كل شيء»

4- آفرینش، بسیار دقیق و حساب و کتاب دارد. «فقدرته تقدیرا» (یعنی چه انداده‌گری مخصوص و دقیقی است)

5- و اخذوا من ذروهه این عیرق مزاژرون یشتنا وهم یخلقون وتا یخلقون ذاتهم ضرعا وتا تفایعا وتا یخلقون منتا وتا حیوة و لاشمو» (۳).

6- (مشرکان) به چای، او خداوندی دگرگزندی که هیچ چیز نمی‌افزند. و خود افریقیه شدند. (این معیوب‌های دروغین) مالک هیچ گونه ضرر و تفایع درای خود نیستند و برای دیگران) اخبار مرگ و حیات و قیامت را ندارند.»
تفصیل سوره فرخان

«وقَالَا أَسْتَرْطَبْ أَوْلَـٰلِكَ اسْتَبْعَدْتَهَا ۖ فَنْبِلِ عَلَيْهَا»

وَكَفَّرتَ (۶۶) گفتند: (قرآن) افسانه‌های پیشینان است که او نسخه‌ای نوشته و هر صبح و شب بر او دیده می‌شود.

فلق انزلَّ الْمَّجَالُ ۖ فِي الأَرْضِ وَالسَّمَوَاتِ ۖ كَانَ غُنْرَ أَرْضًا رَحْمَتًا» (۶۶) یگو: (این قرآن را) کسی دست‌رسان که اسیر این ها و زمینی دادن، قطعاً ام‌زیسته و مهریان است.

نکته‌ها:

کفار، هم به محتوای قرآن اشکال می‌کردن که نوآوری ندارد، بلهک افسانه‌های قدمی است، و تاریخ مصرش تمام شده است. «اساطیر ال‌اوْلَان» و هم شخص پیامبر ﷺ را زیر سوال می‌برند که روتوپسی کرده است، «کن‌شها» و هم یارایی برای پیامبر ﷺ در نظر می‌گرفتند. «تعملی علیه»

پیامبر:

۱- در بیان مطالب مخالفان، امانت را مراعات کنید
«قالوا اساطیر ال‌اوْلَان»
۲- به یوهو کویان پاسخ دهید. «قل»

نکته‌ها:

کلمهٔ «انا» به معنای دروغ و «زور» به معنای سخن باطل و دروغ است.

پیامبر:

۱- کفار، به یاهوی دلیل آوردند، کفر خود را با دروغ خوانند کتب اسماء سروش می‌گذارند. «آن‌ها این الک افراد»
۲- تحقیر کتاب، «آن‌ها» و تحقیر پیامبران، «افرا»
۳- علت قرآن را مخالفان نیز پذیرفتند. «اعانه علیه قوم» (یعنی این کتابی نیست که یک نفر برای آن بپردازد)
۴- کفار از نیک و کلیدی که دارند، می‌گویند: پیامبر در همین و افترا دیدن هم از دیگران کمک کرده. «افرا و اعانه...»
۵- کفار چون سند ندارند، نام گروه کمک رسان را نمی‌آورند. «قوم آخرون»
۶- عوارضی از طریق تحقیر وتهمت و منع هدایت دیگران شدن، ظلم به خود و دیگران است. «ظلماً و زوراً»
تفسیر سوره هرهان

پیام‌ها:

۱- برخی از مردم، کمال‌المردانه را عیب و نقص می‌پنداشته‌اند. «ما هذیه الرسول»

۲- دعوت به خدا منافقان با کامیابی از دنیا ندارد. «الرسول، یا کلّ- عفی»

۳- یا (چرا) به او گنجی عطا نشده، یا چرا برای او نیست تا از (محصولات) آن بخورد؟ و ستمگران (به مؤمنان) فکر کنند: شما جز مرد سحر شدام را پرویز نمی کنید.

نکته‌ها:

در اینه قبیل توافق کفار این بود که پیامبر بنیاد نیاز جسمی داشته باشد و گذا بخورد و براي رفع احتیاجات خود به میان مردم بنیاد، «ما هذیه الرسول یا کلّ الطغام و یمیشه فی الإسواع» در این ایبی توافق این است که پیامبر بنیاد از مرقف‌هان باشد تا به حضور در بازار و میان مردم نیازی ندارش به ایمان. «یا کنّي الیه جنت» طبق این ایبی انتظار منفی ایست، زیرا یک شخص مرغب و استثنایی چگونه می‌تواند رهبر مردم رنج کشیده باشد.

۴- راه توجه حتی برای کفاری که قرآن را افسانه و پیامبر را در مردوخانه می‌خوانند، باز است. «الله کان غفورا رحیم»

۵- بخشش تنها یکی نیست، تلف و رحمت نیز لازم است. «غفورا رحیم»

۶- نزول قرآن جلدو و راهی برای دریافت مغفرت و رحمت الهی است. «الله... غفورا رحیم»

نکته‌ها:

و قالوا سالا هذیه الرسول یا کلّ الطغام و یمیشه فی الإسواع لوا انتهی ر백ی، و یمیشه عطو نیک منع دیگر. «کفار» فکر کنند: این چه پیامبری است که گذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ چرا فرشته‌ای به سوی او نازل نشد است که همراه و بیم دهدن باشد.

کفار از پیامبر اكرم(ص) اتفاق کرده که چرا گذا می‌خورد و راه می‌روید، در آیهی بیست و همین سوره پاسخ می‌فرماید که همواره پیامبر پیشین نیز گذا می‌خوردند و در بازارها راه می‌رفتند، آیا اگر بیان بهانه‌گیری باشد، ساده‌ترین کار دستاپوی بهانه قرار می‌گیرد.
تفسير سوره فرکان

18

پیامها:

1- بهانه جویی‌های دشمن با دقت بینماید. (۹) آن‌ها به تنهایی و تهدیدی اطراف است و بايد در آن دقت کرد. (۹) می‌گوید: (یلی‌یه ایه کری)

2- بهانه جویی در کار انسان، ظالم است. (۹) قال الظالمون این قبل ظلم هم سبب محروم‌شدن خود انسان از هدايت و هم عامل تخریب دیگران است. (۹) «وقال الظلمون إن تَیَعْون إِذَا رَحَلَ مَسْحوراً»

3- کافران و دشمنان، هر لحظه بهانه‌ای می‌یابند. یک‌لای - یِمَشی - لولا از لای - ا و یلی‌یه کری

اَنْظَرْ كَيْفَ ضَرِبْاَتَ لَكَ الأَمْثَالَ فَضْلًا فَنَّ ۱۹

یستطیعون سیلا

بتارک یک‌الذین ان شیئ جعل لکَ خیروَا من دلکَ جنات

تجیری من تختها الأضر ویجعل لکَ قصورا

۱۰

مبارك است خداونی که اگر اراده کند، بهتر از آنچه ایا توقع دارند، بیای تقریب می‌دهد، ای ایحادی که از زری درختان ان نیرها جران دارد و قصرهایی را بیرای تو قرار می‌دهد.

۱۱

کتهها:

در آیات قبل بیان شد که کفایت از پیامبر اسلام

توقیف گنج و باح داشتن، این آیه می‌فرماید: اگر خدا بخواهد به جای یک باح باخاهی را در اختیار پیامبر اکرم می‌گذارد.
تفسیر سوره فرکان

پیام‌ها:

۱- ریشه‌ی بهپایه‌ای کفر، بی اعتقادی به قبایل است.

۲- تکذیب معاد بسیار خطرنات است (و لذا تکرار شده است) «کذب‌ها با ساعه‌اً! اعدنا...»

۳- بهشت و دوزخ، از قبیل أفریده و آماده شده است.

۴- گناه بزرگ (تکذیب قبایل)، عذاب بزرگ (آتش سوزان) را به دنبال دارد. «کذب - سعی»

۵- اگر آن‌ها ممکن بود سمعاً لذا تعظیماً و زیرفرا!» (۱۲)

۶- چون (دوزخ) از قاصله دو آنان را ببیند، خشم و خروشی از آن می‌شودون

۷- و اگر آن‌ها مکان‌اً ضیافت مقرنیهٔ دعوو!» (۱۲)

۸- همان‌که بی‌غیراً» (۱۲)

۹- و چون به زنجیر بسته شده در مکانی تنگ از آن انتخابه شوند، انجاست که ثاله زند (و مرگ خود را می‌خواهند).

نکته‌ها:

کلمهٔ «بی‌غیراً» به معنای اظهار غیظ و شدت خشم است که گاهی با سر و صدا همه‌را است. «زیرفرا»

صدای نفس کشیدن در حال گرفتگی سینه از شدت حضرت صلی‌الله علیه و سلم. از خداوند می‌خواست هنگام مبویش شدن پایامران، درهای گنج‌ها و معادن طلا و باهای سرسپر و خرم را به روی آنان بگشاید، چنان می‌کرد. ولی اگر این کار را می‌کرد مساله‌ی ازمایش مردم از میان می‌رفت و همه‌ی آنان به عشق مال و رفاه گرد انبیا جمع می‌شدند و نیزها خالص شد.»

پیام‌ها:

۱- وجود خداوند، سرجمشه‌ی برکات است. «تبارک»

۲- نوع زندگی انبیاء بر اساس مصلحت الهی است. «آن شیء خلق»

۳- فقر و غنا به دست خداست. «آن شیء خلق»

۴- اراده و خواست خداوند تخلیف‌اند. «آن شیء خلق»

بله، کذب‌ها با ساعه‌اً و اعدناً لست کذب بالسانه‌اً سعی» (۱۱)

نه تنها تورا باردارند بلکه قبایل را اتکان کرده‌اند، و ما بارای منکران قبایل اتئی فروران و سوزان آماده یکدیگر.»

نکته‌ها:

کلمهٔ «سعی» به معنای آتش بر انتها و سوزان است.
 دمشق سوره هرفان

اهمام صادق

فروع: مراد از "مكان بعيد"، فاصله و
یک سال راه است. ٢٣

پیامها:

١- دوره توضیع ادراک و حساسیت دارد که مردم را
می‌پنده: "آرام"،

٢- محاور جسمان است و به مکان نیاز دارد. "من مکان بعید".

٣- دوره خیال با عل و زنجیر به مسعود و امکان
فرار ندارند. "بی‌خیال".

٤- دوره خیال با تحقیق به دوره بروز می‌شود. "بی‌خیال".

٥- تا و فریاد دوره بروز از راه دور به گوش می‌رسد. "بی‌خیال
مانک" برای راه دور بکار می‌رود.

لا تندرو آن‌ها بروزها حاکم وارد شده وی از آن‌ها از آن‌ها

(به آن‌ها که توانسته می‌شود) امروز یک بار در خواست
هلاکت نکنید یک بار در خواست هلاکت کنید
(ولی سودی ندارد)

(کل‌می‌خواهی) جنسیت تغییر می‌کند تغییری

(کل‌می‌خواهی) جنسیت تغییر می‌کند تغییری

تاد تفریق "دالا " و "میترا" ١٥

(پات بیماری) به مردم بگو: یا این (ذاخ و عذاب) بهتر

است یا بهشت جاوادی که به پری‌کاران و عده داده

شده و سزا و سرنا و آنانت است؟"
تفسير سورة فرخزاد

24

- در نبی پس از مدتها و با زحمت انسان به بدنی از خواسته‌های میرسد، ولی در بهشت با آراده خداوند به همه خواسته‌های می‌رسد.
- خداوند به همه وعده‌های عمل می‌کند «وعداً مستوراً». لکن انسان‌ها وعده‌ای به آدم می‌دهند «با بین آدم الاعبد الابكم ...» ولی مؤمنان فقط پایین‌هستند و به آن عمل می‌کنند. «و عهد‌های راعون ... من المؤمنین رجاءاً صدفوا ...»

پیام‌ها:

1- تنها در بهشت، آن‌هم فقط متقنین به همه‌ی آسمانی خود می‌رسند. «هم فيها مايشاوان» (کامیاب کامل در نبی واده‌های از کلمه «هم» قبل از کلمه «مايشاوان» استفاده می‌شود که کامیاب کامل فقط در بهشت است).
2- در بهشت هر چه بخواهد هست. «هم فيها مايشاوان» ولی در مورد دوزخیان می‌خوانیم: «و حبل بينهم و بين ما بشتهون» ۳۰ میان اهل دوزخ و آن‌چه می‌خواهند فاضل قرار می‌گیرد.
3- خداوند عمل به وعده‌های خود را بر خود لازم کرده است. «کان على ربك وعداً مستوراً»

22

پیام‌ها:

1- در قیامت، برای کفار قطع رسی نیست. «وادعوا ثوراً کتربا»
2- بهشت، جاوادیان است. «جهة الخلد»
3- وعدهٔ بهشت، قطعی است. «جهة الخلد آنی و وعد الكنون»
4- یکی از راه‌های شناخت حق مقاشه (بین حق و باطل) است. «أنذا كخربحم جهة الخلد»
5- خوف و رنج، تشوق و تهدید در کیار هم مؤثر است. «ثوراً کتربا ... جهة الخلد»
6- کلید و رمز ورود به بهشت (در هر کاری) تقوایت. «جهة الخلد ... وعده مستوراً»

۷۰ آن‌ها می‌شستند خلدون کان على ربيک
وعداً مستوراً (۱۶)

برای اهل بهشت آن چه بخواهند موجود است. آنان برای همیشه در آن جا هستند. (این پایان) بر پروردگار این‌ها واجب است.

نکته‌ها:

- در جاوادیان بهشت تریدی نیست، چون در دو ایه بی در بی سخن از خلود امده است.
الکبیرت گماره: "۶- اکثریت گماره: "و او یعنی آن‌جکوم فیصل لک، من به منطقگرهای مسلمان در زمینه سونت‌های ثابتی کلی پرداخته‌ایم که جای‌ها را در زمینه منطقگرهای ثابتی پرداخته و همچنین با کتابهای ادبیات علمی و اخلاقی آن‌جکوم فیصل لک، انگیزهی سوال یکسان نیست:

الف) گاهی سوال برای فهمیدن است. "فاضل‌ها اهل الذکر" (۱) سوال کنید از اهل ذکر ب) گاهی سوال برای توثیق است. "تنقیذ قلی من الله" (۲) خداوند برای توثیق طرفداران حضور علی (ص) از این آمده که رازا می‌دانست. من و مادرم درون دخانی دیگر چی؟

پیام‌ها:

۱- در قیامت از مشترکان و معروف‌های آنان بازخواست می‌شوید. "یعنی این که ما یکبار از حالات جدید..." ۲- در قیامت، غیر از انسان موجودات دیگری نیز می‌توانند شهید شدند. "و ما یکبار..."

۷- والدین جماره: "جان و درآورده آنها... و با مادری آن‌جکوم فیصل لک، من به منطقگرهای مسلمان در زمینه سونت‌های ثابتی کلی پرداخته‌ایم که جای‌ها را در زمینه منطقگرهای ثابتی پرداخته و همچنین با کتابهای ادبیات علمی و اخلاقی آن‌جکوم فیصل لک، انگیزهی سوال یکسان نیست:

الف) گاهی سوال برای فهمیدن است. "فاضل‌ها اهل الذکر" (۱) سوال کنید از اهل ذکر ب) گاهی سوال برای توثیق است. "تنقیذ قلی من الله" (۲) خداوند برای توثیق طرفداران حضور علی (ص) از این آمده که رازا می‌دانست. من و مادرم درون دخانی دیگر چی؟

پیام‌ها:

۱- در قیامت از مشترکان و معروف‌های آنان بازخواست می‌شوید. "یعنی این که ما یکبار از حالات جدید..." ۲- در قیامت، غیر از انسان موجودات دیگری نیز می‌توانند شهید شدند. "و ما یکبار..."
تفصیل سورة هرکان

- کلمه‌ی «سیحانک» در دو مورد بکار می‌روید: یکی در مورد تعبیه و دیگری تسبیح و تثنیه‌ی خداوند برای برخورد با عقاید و سخنان اخلاقی.

- نسبان و فراموشی اگر لحظه‌ای موردی و ناخواسته باشد، مورد عفو است. وی اگر طولانی و بر اثر بدمستی و عیانی باشد، مورد توبیخ و قهر‌الهی است.

- معیوبه‌ای جمادی می‌گویند سزاوار نیست که ما غیر از خدا را برای خود وی بگیریم، وی انسان‌ها به سراغ ولایت غیر خدا می‌روند.

- عوامل نسبان و غفلت در قرآن متعدد است و برخی از آنها عبارتند از:

  مال، ثروت و کامبیو که در این ایه‌ی آمد است.

  فرزند و خواهرد. «لا تثبیت اموال‌کم و لا اولادکم عن ذکر الله»؟؟ «میان آموال و فرزندتان شما را از یاد خدا غافل کنند».

(ج) تجارت. «لا گلبه‌یم سزایا و لا نیع عن ذکر الله»؟؟ «هنیه تجارت و خرید و فروشی آنها را از یاد خدا مشغول نمی‌کنی».

(د) شیطان. «آنما یک‌سان شیطان ان یوپیکر عدایة و البغایه‌یا في الخمر و البسیر و یعذب‌کم عن ذکر الله فهل اتتم منتهون»؟؟ «همان شیطان می‌خواهد به وسیله‌ی شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه بیفند و

- ۳- در قیامت هم یپها شعر داشته و مورد خطاب قرار می‌گویند تا آذر بازی خانه کردن باقی نماند. «خالت» (لازم به یادآوری است چه با توجه به بعضاً از آیات همه نشان دهنده شرور مستند)

- ۴- خداوندی، در فطرت همی‌یا انسان‌ها وجود دارد و انحراف بشر عارضه است. «بی‌ثباتان... ام هم ضلماً»

(کلمه‌ی «السیل» نیز نشانه‌ی آن است که راه حقیقی همان راه طبیعی و فقیری است)

(قاوای «سیحانک» ما کان بی‌نیع کنن این تخته‌ی من دریکت از آوتینا و لکن منعیه‌ی و ناپاهاه‌ی حقیقی نسیاً الذکر و کانْتا ۸۰۰۱۲۴۸ بازی») (۱۸)

(معیوبها) «گویند خداوند، مارا نرسد که غیر از تو سرپرست بگیریم وی توان آلان و بدرانشان را چنان کامبیو کردنی که یاد نگیر و قرآن را فراموش کردن و گروهی هلاک و سر در گم شند»

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «هراق» از بورای به معنا هلاکت و فساد است، به زمینه‌که خالی از درخت، گل و گیاه باشد، «بایر» گویند.
تفصیل سوره هرکان

شما را از بای خدا نمی‌باید. پس (با این همه مقام‌دار) آیا دست برمی‌دارید؟

پیام‌ها:

1- در قیامت، معبودها به سخن درمی‌آیند و از خود دفاع می‌گیرند. «قالوا»

2- خداوند نمی‌دهد خود را حتی از منحرافان دریغ نمی‌دارد. «لکن متعتعمبم»

3- خطر مال در جایی است که خدا فراموش شود، نه این که مال مطالقاً بفروشد و خطرناک باشد. «متعتعمبم... حتی نیست»

4- در خداوندهایی که چند نسل آنها مرفوع بودند، زمانی فراموشی از خدا و قیامت، بی‌شتر است. «و آنان از خداویق»

5- به مال و جلوگیری‌های مرطوبین نگاه نکنید. همه‌ای آنان تباه شدنی هستند. «کافی‌ان قوماً بورایا»

وقد کذبرکم بما تقولون فَفَنا نستَعِیون صرفاً وننا لبَرَمْ و نمَن ظلمَمْ نَذَقهَمْ غِنْدَاباً كُبْروا۱۹»

«خداوند در آن روز به مَشْکَّران مَفْرَماَیِد» این معبودها گفت‌های شما را اتکاً کردند. «نه برای برطوف کردند قهر خدا توانای دارد. نه مَتْوَانِی حمایتی (از کسی) دریافت کنید وَهْر کس از شما ظلم کرده (و شرکورزد) عذاب برزگی به او مَشْکَّلیم.»
تفسیر سوره فرگان

۲۷

۲- آسانی با تاریخ، هم بهانه‌جویان را خلخ سلاح
می‌کند و هم همایه تن‌پیامبر آکرم(۶۶۷) است. «و
مارسلا قبلک... اهم لیاکلوئن الطعام»
۳- تمام انبیا، زندگی مردمی داشتند. «لیاکلوئن الطعام
و عموش...»
۴- مرتی باید با مردم حشر و نشر داشته باشد. «عشنون
в الاسواق»
۵- زندگی ساده انبیا، باید مردم آزمایش است.
«عشنون فی الاسواق - و جعفنا بعضکم لبضغ فنن»
(آری، اگر یک‌پای‌ران، زندگی جامع، و خال و طلا داشتند،
مردم به خاطر دنیایی، گرد آنان جمع می‌شدند که
چنین گراشی اررش نداشت. ارزش در این است که
انسان از فریدي در ظاهر عادی، طاعت کند.)
۶- یکی از وسایل آزمایش مردم، خود مردم‌اند. «جعفنا
بعضکم لبضغ فنن» گاهی کسی تروتمند است تا فهم
شکر یکی می‌کند با طبقان، و کسی فیبر است تا آزمایش
شود که آیا می‌توان یکی بر تروتمند حسب می‌ورد.
۷- کلید موقعیت در آزمایش‌های الیه صبر است.
«فتنه اشتباه»
۸- قلنسه‌ی آزمایش‌های الیه، برورش انسان‌هاست. «ریتک»
۹- در آزمایش‌های الیه، مسئله‌ای برای خداوند کشف
نیم‌شود زیرا او به همه جیز آگاه است. «و کان ریتک بصرا»

پیام‌ها:
۱- معیوب‌های خیالی و بی‌ها، نه تنها یار شما نیستند،
بلکه کارش مرا نیز تخلیه و تکذیب می‌کند. «قدد
کچم کم»
۲- انسان مشترک در قیامت از هیج حمایتی برخودار
نیست و از هر اقدامی برای نجات خود عاجز است.
«فما تسبیعون ضرفاً لاسرا»
۳- مشترک، ظالم است. (جملهی «و من بی‌ظلم» در
فضایی «و من بشرک» قرار دارد)

۲۰۰»
۲- آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آری آرم

پیام‌ها:
۱- فرساندین انبیا، از برنامه‌ها و ست‌های الیه است.
«ومارسلا قبلک من الرسلین»
بیانها:

1- بی‌اعتقادی به معتقدات، ماهیت همان‌گونه‌ای که در برابر انبیاس‌های «لایرخون لاقتنا لولا...» قرار داشته‌اند.

2- حتی امید به قبایل برابر سازندگی انسان و امید به خداوند کافی است. «لایرخون...» همان‌گونه که اکثر تلاش‌ها به امید رسیدن به نتیجه امید امید به خداوند کافی است.

3- روی توانایی، روز ملاک اجازه‌های قهر یا روز ملاک ایست. (تا مدل کدام یک را بای خود فراهم کرده باشد.) «لقان»

4- کار، فرشگان را باور داشته‌اند. «لولا ازل علیها الملاکه»

5- مانند‌گرایان، همی چیز را مالی می‌پندارند و به دنبال دیدن یکی با جشن سر هستند. «نری را...»

6- سرچشمه‌ی طلبان و استکبار انسان، بلد پروری‌های درونی اواست. «استخرازها در نفس‌های» (از کوهورم برون تراوید که در اواست)

7- گناه و تجاوز در جراین دارد. «عنوان کاریا»

«زمین برون الملاکه لایشتری نورش ملایی رهمن» و «بت‌لوزن حجره مخجره» (۲۲) روزی که فرشگان را می‌بینند، آن روز برا گناهکاران مزدهای نیست، (بله، روز کیفر آنهاست) و

تفسیر سوره هرقل

۳۳

از این‌ها یا این‌ها شکوفا شدن خصوصیات درونی

۳۳

رویتی که فرشگان را همی‌بینند، آن روز برا گناهکاران مزدهای نیست، (بله، روز کیفر آنهاست) و
تفسیر سوره فرحان

۳۶

پیام‌ها:

- مجرمان (که توافق توسط فرشتگان (را بر خود داشتند)

- هیچ گونه بشدتی از هیچ‌جا نیز دریافت نمی‌کند.

«لا بیشتر یوم‌تمن محرمون»

و۳۹:۳۳ و ۳۹:۳۱ می‌گویند: (بهشت برای شما)

نکته‌ها:

۳۹:۳۳ «مطبوع» خاتم بر پایه و «منثور» بی‌غیر پخش شده. قرآن کریم عمل کفار را به خاکستری تشیب کرده که باید تندی آن را پر کند. «مثلً آلذین که گیاه اعماق اکرم اشتدت به اچیز" در صفحه لا یقدرند می‌گنوا علی شیء» ۹۸ "مثل (کارهای) کسانی که به پرورگان عذرباز وزیدند همچون خاکستری است که در خیال طوقافی تبدیل بر آن بود. آنان به حفظ دزهای از آن‌ها به دست او بودان قادر نبودند و در آیه‌ای دیگر کار کفار به سرب تشیبینه شده است، که انسان تتشان آن را از پردازی در روابط مصداقی که اعمالیان یپی می‌شود افرادی معرفی شدهند که اهل نمان و روزمان، و از

۳۵

(فرشتگان به مجرمان) می‌گویند: (بهشت برای شما)

حرام و ممنوع است.

نکته‌ها:

در آیه قبل سخن از مستکبران بود که امیدی به قیامت نداشتند و توافق توسط فرشتگان (را بر خود داشتند، در این آیه می‌گویند: فرشتگان بر آنان نازل خواهد شد، اما با چنین حامل نور و وحی باشد، حامل سخت‌ترین تهدیدات خواهم بود و آن روز به فروده امام باقر، روز مرگ آنان است که خداوند به لکه‌من فرمی گرفت کافران را می‌دهد و او نمی‌گردد و همین که جان به گلویشان رسید فرشتگان بر سوی سنت آنها مزنده سپس حضرت این آیه را تلاوت فرودهند. ۹۹

کلمه‌ی «حيح» به معنای یادداشتی است و جون عقل، انسان را از تخلیف پزشک دارد به آن «حيح» گفته می‌شود: «هل در نه فصیلی یک حیرت» ۷۰ و به منطق‌های کسی کسانی شده یا به پرداز و مردم از رفت و آمد در آن معنی شوند، «حيح» گفتگی می‌شود.

دیدن خداوند محل است، ولی دیدن فرشته در شرایطی ممکن است. «یوم بی‌ورون مالانگه یا نبی یوم محرمون» نمایه یا دیگر می‌خواندی: در قیامت، فرشتگان به مؤمنان سلام می‌کنند ۷۱ و یا

دور مانند از فرشته مأمور دوخت استمداد می‌کنند. ۷۲
التفسير سوره هزكان

كلمهِ «متى» به معناي: استمتعت ينمزز امل، خواه همراه خواب باشد يا ناشد.5

بيانها:
1- شوقيق و بشائط، دكر كأن هندار و انذار ضروري
است. «هباء متفرا - خير مستلق و احسن مقبلا»

» ويوم تشقق السماء، بالضاح و بارز الملاك لي نبتلا،» 25
و روزى كه أسمان يا ابها يشكافد و زرغان فرود
أيند فرو أمني ». 

» الملك يلزم الحق لم يحمى و كان يوما على
الكفر الزمراء ». 26

22- أهوى كارها و تلاقى هوا خود اطمانان تكين، شايد
بدفاعي شيوم و اعمالمن يب اثر باشد. «هباء»

4- روح كارها و تلقى هوا خود اطمانان تكين، شايد
بذاكرته و اعمال من يب اثر باشد. «هباء»

» أصبح يلزم الحق لم يحمى و كان يوما على
الكفر الزمراء ». 26

در أن روز، فرامنراوي بر حق، از أن خدای راحان است
و روزی است كه بر كافران سخت و سنجان است.

نتكلمها:

38

84 #. P7 1+ $; .

37

84 #. P7 1+ $; .
تفسیر سوره هرکان

۴٠

نته‌ها:

«خداوند» این است که انسان به حمایت کسی امید داشته باشد، ولی او انسان را رها کند.

به گفتگوی روابط، رهبر اهلی، مصدق «ذکر» است و گمراهم کردن از «ذکر» یعنی گمراءوشدن از رهبر حق.

۴۱

دوست و دوستی:

اسلام برای دوستی و انتخاب دوست، سفارش‌های زیادی دارد و دوستی با افرادی را تشکیل و از دوستی با افرادی نهی کرده است که این موضوع به بحث مستقلی نیاز دارد. برخی از عناوینی فرعی موضوع «دوست و دوستی» به این شرح است:

راه‌های شناخت دوستی، مرزهای دوستی، ادامی دوستی، قطع دوستی، انگیزه‌های دوستی، آدام معاصر و حرف دوستی، که برای هر یک ایات و روابط بسیاری است و ما به‌گوش‌های از آنها اشاره می‌کنیم:

* اگر در شناخت کسی به تردید افتادیم، به دوستانش بگذریم که چه افرادی هستند. «فانظروا ای خلقنا»
* فهمی به رفقت بهتر است.
* از پیامبر پرسیدن‌های دوست کیست؟
* فرمود: کسی که دیادارش شما را به یاد خدا بیندازد، و

۳۹

از کلمه‌ی «۹ ۲ انسان‌که تنزیلا» استفاده می‌شود که نزول فرشتگان در روز قیامت، غیر منظوره و نزول خاصی است.

پیام‌ها:

۱- مالکیت و حکومت خداوند، واقعی و حقیقی است، نه اعتباری و عارضی و ظالمانه. «الملك يومئذ الحق»
۲- قیامت روز جهودی رحمت الهی است. «الملك يومئذ الحق»

و یوم مَعْصَوَهَ الْقَلَمَ عَلَى يَدِهِ يَقُولُ بَلَى تَحْذِئَتِ

۲۷

» و روزی که ستمکار (مشارک) دو دست خود را (از روی حشرت) به دندان می‌گذارد، و می‌گوید: یا کاشی با پیامبر همراه می‌شدم.»

۲۸

» یا بی‌هنگامی نمایش دهیم ته‌خنده؟!

» ای روز من! کاش فالانی را دوست خود نمی‌گرفتم.»

۲۹

» تنها خاتمی از الذکر! بغض از جانی و کنون تشیطن«

» الکن تنهاْ نَخْذَالاْ!«

» رفقت من بعد از آن که حرف خدا برای من آمد، مرا گمراء ساخت، و شیطان هنگام امید، انسان را رها می‌کرد.»
تفسیر سوره هرکان

42

گفتارش به علم شما بیفروزان و کدرش را یاد یکم را در شما زنه کن.

* حضرت علی (ع) فرمود: هنگامی که قدرت از بین رفت، رقه واقعی تو از ارتدختی شناخته می‌شود.*

* حضرت علی (ع) فرمود: رفق خوب، بهترین فامیل است.*

در حدیث آمده است: دوستت را مورد غضب، بول و مال دنبای و مسافرت آرامیش گن. اگر در این آرامیا موقوف شد، دوست خویی است.*

در شعر شاعران نیز درباره دوست و دوستی، بیمار سخن به میان آمده و به معانی و همشنگی با دوستت خوب سیاب سفارش شده است:

همشنگی تو از تو به یاد تا تو را عقل و دین بیفروزان

و از همشنگی با دوستت بدن ملیش شده است:

تا توئی می‌گریز از یار بد

یار بد بدتی بود از مار بد

مار بد تنها تو را بر جان زنده

یار بر جان و بر ایمان زند

و یا دوست بد به ابر تیرای تشیه شده است که خورشید با آن عظمت را می‌پوشاند:

با بدن ملیش که صحبت بد

گرچه پاکی تو را لیست کند
تفسیر سوره فرقان

10- دوستان منحرف، عوامل شیطان‌دند. «فلانا حنیفًا»
و «کان الشیطان»
11- نام و شخص افراد مهم نیست، کارایی آنان مهم است. «فلانا - احقیق»
12- نشانه‌های دوست به آن است که انسان را غافل کند. «اصطلاحی عن الذکر»
13- گاهی عواطف دوستی بر استدلال و منطق عیان در می‌کند. «اصطلاحی عن الذکر بعد از جامعی»
14- خداوند با همهی مردم امان حجت می‌کند. «بعد از جامعی»

وَتَقَالُ الرَّسُولُ بَارَبَةً إِنَّ فَقُوْمٍ اتَّخَذُوا هذَا
الْفَرْقَانَ مَهْجُورًا» (۳۰)

«پیامبر (در روز قیامت از روز شکایت) می‌گوید: پروردگارا فقوم ماندن قرآن را کردند.»

۶۳۶ تکه‌ها:
«حجر»، جدایی با عمل، بدن، زبان و قلب را شامل می‌شود.

۶۳۷ این رابطه می‌انسان و کتاب آسمانی، یاً دانشی و در تمام زمینه‌ها باشد، زیرا کلمه‌ی «حجر» در جایی به کار می‌رود که میان انسان و آن چیز کم رابطه باشد.
مات پیام‌ها:

1- در قرآن کتابی از شاکیان، پیامبر اکرم (ص) است:

و قال الرسول

2- اتفاقی از کسانی است که آگاهانه قرآن را کتاب می‌گزندند. «انحلوا...» و تقویم: «کان عده‌هم مهجورا»

3- جمع آوری و تدوین قرآن، در زمان شخص پیامبر اکرم (ص) انجام شده و لذا مورد اشاره و خطاب قرار گرفته است. «هذا القرآن»

4- مهجوریت قرآن و کلیه‌ی پیامبر اکرم (ص) و مستندات ما قطعی است. (قال) فعل ماضی نشان‌دهنده حتمی بودن است.

5- تلاوت ظاهری کافی نیست، بلکه مهجوریت زدائی لازم است. «مهمه‌ها»

و کذکذ ذکرنا لکل‌نبی یعذرأً مِنَ البِرَّینَ

وکفی بِرَّین‌هادباً وْتَصِیراً» ۳۱

و ما این گونه برای هر یک از گناهکاران قرار دادیم، و پروندگارت برای راهنمایی و حمایت تو کافی است.

اتجا که گمان کرد گریه هستم، ولی همین که کمی بصیرت می‌باشد، نگرانی از علم واقع خالی دیدم. در آخر عمر به فکر رفتکه که به سراغ تبدیل قرآن و روایت محمود و الامام محمد ترویج می‌کرد که کارم به پاس پیشه است. حضرت مرحوم میرزا در طول عمرم به جای نو در سازی استاده بود. از عده جانیم آتش قرنطینه و قلیم شعله کسی، تا رحمت الهی دستم را گرفت و مرا با اسرار قرآن آشنا کرد و شروع به تفسیر و تدبر در قرآن کرد، در فارغی و حیا را کوبیدم، در مرا بار شد و بردها کنار رفت و دیدم فرشتگان به من می‌گویند: «سلام علیکم چیز فداکاراً خالدین» ۴۹ دعود بر شما! گزاره باش نرا، پس داخل شوید بهشت جاویدان را ب فض کاشتی (قدس سره) می‌گوید: کتاب‌ها و رساله‌های تحقیقاتی کرد، وی در هیچ یک از علوم، دوایی برای درد و آی برای عظمت نیافت. بر خود ترصد و به سر خدا فرار و این‌ها کردم تا خاواند مرا از طریق تعقیب در قرآن و حدیث هدایت کرد. ۵۰ امام بختیاری (قدس سره) در گفتاری از اینکه تمام عمر خود را در زدن قرآن صرف نکرده، تأسف می‌خورده و به خویده‌ها و دانش‌ها سفارش می‌کند که قرآن و ابعاد گوناگون آن را در همه رشته‌ها، مقصد اعتی قرار دهد تا مبادا در آخر عمر برای جوانی تأسف بخرود. ۵۱
تفصیل سوره فرکان

48

11- انسان در درگیری‌های حق و باطل، به دو جزیت تیز دارد: یکی هدایت و دیگری قدرت. «هدایا و نصرای»

12- هدایت و نصرت از شوئن روابط خداوند است. «ربگاهی و نصرای»

و پیام‌الدین کُتْرُوا لُوًا نَزَّلَ عَلیهِ الْقُرْآنِ جَمِيلًا

واحدة کاذب لِبَنَتُ به فُرْوَادَكُ وَرَتَّلَتْهُ تَرَبِیَّةً) «72»

و کسی که کفر ورودیدن، (به‌هادی‌دیگری از هدایت و) گفتند: چرا (تمام) قرآن یکجا یکجا بر اثر است؟ (غافل از آن که) این گونه (زاویه کردنی) تا دل تو را به وسیله‌ای استوار کنیم و آن را به تدریج و آرامی بر توان خودیم؟

نکته‌ها:

به‌هاین‌جواب، هر لحظه به‌هادی چیزی جدیدی می‌گفتند. گاهی می‌گفتند: چرا به ما وحی نمی‌رساند؟ گاهی می‌گفتند: چرا فرسته و حی را نمی‌پیمیم؟ چرا پایبر یافته در سرمایه و کاخ و طلا ندارد؟ و گاهی می‌گفتند: چرا یکجا نازل نمی‌شود؟

اثار و دلایل نزول تدریجی قرآن:

1- نزول تدریجی، عامل ارتباط دامی و مستمر پایبر اکرم با سرچشمه‌ها و حی و ماهی استواری‌ها در

پیام‌ها:

1- تصدی مان‌های حق و باطل، در مدار ارادة الله است. «کلخ جعلنا»

2- ندای حق‌خواهی و حق‌گویی، همیشه مخالف داشته است. «کلخ نی عدُرَ»

3- با توجه به مشکلات دیگران، خود را تسلى دهید. «کلخ نی»

4- انسان ابتدا به گنده آلوده می‌شود و کم‌کم دشمن انسی می‌شود. «عدوآمگرمین»

5- انسان با گانه، از مسیر حق جدا می‌شود. «من المخربین» (کلمه‌ی خم‌بی به معنای جدا شدن است).

6- سخت‌ها و مخالفتها، انسان را تتربیت می‌کند. «جعلنا» - رَبّکا

7- تنه‌ها را پرپوشید بر دشمن، تستمک به هدایت و نصرت الله است. «کفی برپیکرها و نصرای»

8- در برابر مخالفین، بر خدا تولّد کنیم. «کفی برپیکرها و نصرای»

9- پروردها برای حماهای و هدایات کافی است، دلستن به دیگران چرا؟ «کفی برپیکرها»

10- انسی نیز به هدایت‌های نیازمندند. «کفی برپیکرها»

11- انسان در درگیری‌های حق و باطل، به دو جزیت تیز دارد: یکی هدایت و دیگری قدرت. «هدایا و نصرای»

12- هدایت و نصرت از شوئن روابط خداوند است. «ربگاهی و نصرای»

و پیام‌الدین کُتْرُوا لُوًا نَزَّلَ عَلیهِ الْقُرْآنِ جَمِيلًا

واحدة کاذب لِبَنَتُ به فُرْوَادَكُ وَرَتَّلَتْهُ تَرَبِیَّةً) «72»

و کسی که کفر ورودیدن، (به‌هادی‌دیگری از هدایت و) گفتند: چرا (تمام) قرآن یکجا یکجا بر اثر است؟ (غافل از آن که) این گونه (زاویه کردنی) تا دل تو را به وسیله‌ای استوار کنیم و آن را به تدریج و آرامی بر توان خودیم؟

نکته‌ها:

به‌هاین‌جواب، هر لحظه به‌هادی چیزی جدیدی می‌گفتند. گاهی می‌گفتند: چرا به ما وحی نمی‌رساند؟ گاهی می‌گفتند: چرا فرسته و حی را نمی‌پیمیم؟ چرا پایبر یافته در سرمایه و کاخ و طلا ندارد؟ و گاهی می‌گفتند: چرا یکجا نازل نمی‌شود؟

اثار و دلایل نزول تدریجی قرآن:

1- نزول تدریجی، عامل ارتباط دامی و مستمر پایبر اکرم با سرچشمه‌ها و حی و ماهی استواری‌ها در

پیام‌ها:

1- تصدی مان‌های حق و باطل، در مدار ارادة الله است. «کلخ جعلنا»

2- ندای حق‌خواهی و حق‌گویی، همیشه مخالف داشته است. «کلخ نی عدُرَ»

3- با توجه به مشکلات دیگران، خود را تسلى دهید. «کلخ نی»

4- انسان ابتدا به گنده آلوده می‌شود و کم‌کم دشمن انسی می‌شود. «عدوآمگرمین»

5- انسان با گانه، از مسیر حق جدا می‌شود. «من المخربین» (کلمه‌ی خم‌بی به معنای جدا شدن است).

6- سخت‌ها و مخالفتها، انسان را تتربیت می‌کند. «جعلنا» - رَبّکا

7- تنه‌ها را پرپوشید بر دشمن، تستمک به هدایت و نصرت الله است. «کفی برپیکرها و نصرای»

8- در برابر مخالفین، بر خدا تولّد کنیم. «کفی برپیکرها و نصرای»

9- پروردها برای حماهای و هدایات کافی است، دلستن به دیگران چرا؟ «کفی برپیکرها»

10- انسی نیز به هدایت‌های نیازمندند. «کفی برپیکرها»
تفسیر سوره فرکان

50

حضرت علی رضف. مراد از ترتیل، رعایت

موراد وقف و اداه حروف است.

امام صادق رضف. ترتیل، زیبا و آرام خواندن

قرآن، مکت کردن در آن و پنهن بردن به خداوند در

هنجام تلاوت آیات مربوط به آتش و عذاب، و دعا

کردن هنگام برخورد با آیات بهشت و درخواست بهشت

از خداه مهربان است.

پیامدها:

1- رهبر بايد قلبی مطمئن، استوار و آرام داشته باشد.

«خوشنگ به چنین»

2- تیره‌ی ترتیب تیبد آرامش بهداشت. «خوشنگ به

فداک»

3- آموزش و تربیت بايد تدریجی باشد. «و راهنمای ترتیلا»

4- (نَه تَبَارُنَك) بی‌گفتن عیان، جنگال (و آخَرَنَّ نَفْسَرِا)

و هیچ متقی (از پنهانها و طعندها) برای تو نبودن، مگر

آن که پاسخ به حق و بهترین بیان را برای تو آوردیم.

نتایج:

قرآن کریم در این آبه خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: حرف مخالفان، با پابرج

آن برای تو سخن حق می‌آوریم و یا حق است که ما

سخن روشی‌ی بیش تر از حق اتان برای تو بازگو می‌کنیم.

راه است و بیانگر آن است که رسالت یک جرایق

مقطعی نیست.

2- دین زند و جامع آن است که با حواضد و

مناسبت‌ها ارتباطی نیرومند داشته باشد و حواضد و

مناسبت‌ها هم به مروز پیدا می‌شود، نه یکدفه.

3- انجام همه‌ی اولام و ترک همه‌ی نواهی یکدفه

برای عموه مردم سخت بود و سپس غر و خرج می‌شد.

4- چون هر سوره و ایبه فران به تنها یک معجزه

است، بنابراین تزول تدریجی آن به منزله‌ی چندین

معجزه پی در پی و هر معجزه‌ای مایه‌ی تسلی قلب

پیامبر در اینار آزاد شد.

5- تزول هر آنه به مناسب تبادی که پیاد می‌شود با

نزول همه‌ی آیات بدون در نظر گرفتن تیازها، تفاوت

بسیار درد.

6- بعضی آیات پاسخ سوالات مردم است، پس اول بايد

سوالش مطرح شود تا بعد ازبیان درباس آن نزال شود.

7- بعضی آیات و احکام برای مدتی معمول نزال شده

است، لذا ایبه‌ای نازش نزال شود.

ترتیل چیست؟

پیامبر اکرم رضف. ترتیل آن است که قران

را با بیان روش خوب‌نامه (به مثل شعر، نه مثل نثر)،

هنجام برخورد بر لطفی آن توقف کنید، روح و دل خود

را صفا دهید.
تفسير سوره فرقان

1- قرأ، كتاب جامعي است و به همئى إبراهیم ياسب
مدىده: "لا يأتونك مثل الآجتاك بالحق"...
2- انبىاء مم مکاحفه و تفکر راه استدلل با آنان
رقت مى كردند: "لا يأتونك مثل الآجتاك بالحق"...
3- خوايدن آنبىاء دفاع مى كند و در برادر سخنان ابتداء
کفار، خودش کلام حق را مطروح مى كند. "لا يأتونك
مثل الآجتاك بالحق" و تنزوى: "نست".
4- حق بب باطل يبروز است. "لا يأتونك... الا
آجتاك بالحق و خسند تفسيراً
5- هدف آنبىاء استنكار حق است. "آجتاك بالحق"
6- سخن عاید منطقى و حق باشد. "آجتاك بالحق"
7- علم وم سخن پيام پكرک عناري از جانب خداست.
"آجتاك..."
8- گفتار و اختراض دیگران را با کلام پبتر جواب
دهايم. "آخسن تفسيراً"
9- سخن و ادعا مکاحفه استحکام ندارد، زيرا در برادر
سخن حق و تفسیر پردر سخن آنان رنگ مى بارد.
"پاچه و خسند تفسيراً"
تفسیر سوره هرکان

کلمه‌ی "کُدُبْوَا" از "دمَر"، به معنای هلاکت

اعجاب‌انگیز است. شهوهای تبلیغ و تربیت در قرن متفاوت است؛ در یک جا می‌فرماید: پایه به سراغ محرمان رفت، "اذَّهْا" و در جای دیگر می‌فرماید: پایه فرمان داد تا آنان خود حاضر شوند و خورشان شکسته شود. چنانکه حضرت سلمان به ملکه‌ی سجا چنین فرمان داد: "و آئوی مسلمین". یعنی با تسیم کامل، در برابر ما حاضر شود.

پیام‌ها:

1- در تبلیغ، گاهی یکافردی را اعزام کرده تا با هم تبلیغ کند. "اذَّهْا".

2- اتمام حجت با گمراهان ازام است. "اذَّهْا" ای الف‌القوم الکن‌فی."کُدُبْوَا"

3- انکار و لجست مردم، مانع لطف خداوند نیست. (پیام‌ها را برای هدایت آنان می‌فرستند) "اذَّهْا ای الف‌القوم الکن‌فی."کُدُبْوَا"

4- تکذیب پیام‌ها، کذب‌خانست "کُدُبْوَا" پایانانیا.

5- نقل تاریخ و سرگذشت کفّار قبل، و پیام‌های نامکان‌گذاری، آنان، زمین‌های برای هشدار، و نهی از منکر کفّار امرور است. "فِلَمْ نَاهِیْمْ اِنَّا"
تفسير سورة فرکان

55

نکته:  
«قُرْءَان» جمع «قرن»، در اصل به معنای جمع‌یای است.  
که در یک زمان با یک ژانر می‌کنند و به چهل تا  
صد سال هم یک قرن گفتگانه. تبیین از دست دادن  
بزرگی و سرنوشت شنن است. به صورتی که به ناوه  
و هلاکت کشیده شود.

اصحاب رسّ خسانی بودند؟  
دربارهٔ قوم «رسّ» در تفسیر مطالب زیادی آمد  
است از جمله: اتان همان قوم شیعه هستند، یا این که  
«رسّ» شهری است در «یمامه» یا چهی است در  
«نفالیه» یا همان «روز ارس» است و یا غیر آن،  
ولی در کتاب «عیون اخبار الرضا» می‌خوانیم:  
امام رضا(ع) فرمود: شخصی از حضرت علی(ع)  
دربارهٔ «اصحاب رسّ» پرسید، امام(ع) پاسخ داد: بعد  
از طوفان نوح، درختی به نام «شکر» غرس شد.  
مردم (این درخت را مقدس می‌دانستند) و در اطرافش  
دوآوردند «زیبایی نبا کنند. نام چنین نهادی به نام ماهیايی ایرانی»  
پیدا کردند، از مهم‌ترین نمونه‌های می‌باشد،  
می‌گوید: «البته، درختی به نام «شکر» بود. آنان  
هیا است. (و کذب‌الرسول کلاً بی‌ترتا تیبریا)».

و گفته‌اند: «علی قریب‌الزمان، ممتلئ ماتریکتی، اطمینان  
بی‌نظری بنامن، بنامن، بنامن. (البته) (۴۰)».

همان «مشکی مبین» به هندی مسافرت به شام» برد  
منطقه‌ای که پاران با رنگ باربی بود (و سرگران شده  
بودند) گذر کردند. (این را نمی‌دانید (تا نمی‌بینید؟) آیی،  
منطقه‌ای قوم لوط را دیدند ولی عیرت گرفته‌زیرا آنان  
پیت قائم و رستاخیز ایمید و ایمانی نداشتند.»

65

تخاندگان پیامبری برای آنان فرشتاد و آنان را ارشاد کرد.  
عکس با تذکر کردند، پیامبران تنها نبودند و آن درخت  
مقردنی خشک شد، پس از آن چه عمقی حفر  
کردند و پیامبر خدا را در آن افکنند و او را این گونه  
به شهادت رسانند. و در نهایت بی‌بلاغه می‌فرماید: "آین اصحاب‌مدائن الرس  
آنان کنند الیبا،"، چگونه مردم شهروایی رس  
آن‌ها انبیاء را کشتند؟»

پیامه:  
1- خداوند با همهٔ آشت‌ها امام حجت کرد اما  
و کلاً ضریباً له الامثال.

2- قهر و غضب خداوند بر گف‌تر و تذکر کنید را بعد  
از فرشتگان رسولان و نزول آیات، یکی از سنت‌های  
الله است. «و کذب‌الرسول کلاً بی‌ترتا تیبریا».
پیامها:

1- کسی که اجاجت و غرور دارد، حقیقی را نمی‌پذیرد.

» «الآ هرود»

2- تمسخر و تحقیر اولیا، شبیه‌ای دائمی گفای است. و اگر راکد… آینده آلی…

3- گفتار با زیر سوال بردن یا تحقیر پایبند، رسالت را زیر سوال می‌یابند. «آینده آلی بهت…»

(یک کاک تضمیناً علیه اینجا، لرری بهترین می‌باشد و تسریع

یا بی‌توجه حین پروران و اهداف من می‌دانیم، نظریک

«اگر ما بر پرستش بتیها مقاومت نمی‌کردیم، ندیدیک

بود که (این شخص) ما را از خدانامه منتفر کند.

آن گاه که عذاب را پردازی پیبند خواه‌نام دانست که

چه کسی گماراه تر است.»

پیامها:

1- گاهی انسان چنان وازگون فکر می‌کند که هدایت

را گمراهی می‌پندارد. (بی‌توجهی آفتیا)

2- کسی که یک خداپان با شعور را نپذیرند، بی‌بهای

پی شعور را به عنوان خدا خواهند پذیرفت. «آفتگاه»

1- اگر وارک و نه در پس «آنها هرود»

» «هیچ نموده در پس‌های آئین»

2- هرگاه (کفیار) تو را پیبند چنین به معصومات نگردد،

حرف آن‌ها این است که آیا این همان کسی است که

خداوند را پیامبر قرار داده است؟»

تفسیر سوره هرکان

جkeleton:

مراد از قرآنی که پاران یا بر آن پارانه، قرینه قوم لوط

است که پارانی از سنج بر آن پاریده، و به فرموده‌ی امام

بافرگه نام منطقة‌ی آنان، (سند) بوده است.

پیامها:

1- آثار باستانی می‌تواند وسیله‌ی عربت باشد. «آلفم

یکنوا بروده» (نقشه تاریخ و تاریخ سرگذشت گمراهان،

زمین‌های برای تبلیغ، تربیت و نهی از منکر است)

هر که نام‌مخت از گمراه روزگار

هیچ نموده در پس‌های آئین

2- گردنگویی در برای حق و استمرار بر کفر، مانع دریافت

حقی است. «آلفم یکنوا بروده بل کانوا لا برجون»

3- کسی که نور آمید در دل دارد و قیامت را باور

دارند، از خواتن و جرمها استفاده می‌کند. «بل کانوا

لا برجون نشورا»

ویا راکد... می‌پذیرد اگر هرود»

» «غلت الله سرود»

و هرگاه (کفیار) تو را پیبند، جه مشروطه نگردد،

حرف آن‌ها این است که آیا این همان کسی است که

خداوند را پیامبر قرار داده است؟»
تفسير سوره هرقلان

1- صلى الله عليه وسلم

2- صلى الله عليه وسلم

3- صلى الله عليه وسلم

4- صلى الله عليه وسلم

5- صلى الله عليه وسلم

6- صلى الله عليه وسلم

7- صلى الله عليه وسلم

8- صلى الله عليه وسلم

9- صلى الله عليه وسلم

10- صلى الله عليه وسلم

11- صلى الله عليه وسلم

12- صلى الله عليه وسلم

13- صلى الله عليه وسلم

14- صلى الله عليه وسلم

15- صلى الله عليه وسلم

16- صلى الله عليه وسلم

17- صلى الله عليه وسلم

18- صلى الله عليه وسلم

19- صلى الله عليه وسلم

20- صلى الله عليه وسلم

21- صلى الله عليه وسلم

22- صلى الله عليه وسلم

23- صلى الله عليه وسلم

24- صلى الله عليه وسلم

25- صلى الله عليه وسلم

26- صلى الله عليه وسلم

27- صلى الله عليه وسلم

28- صلى الله عليه وسلم

29- صلى الله عليه وسلم

30- صلى الله عليه وسلم

31- صلى الله عليه وسلم

32- صلى الله عليه وسلم

33- صلى الله عليه وسلم

34- صلى الله عليه وسلم

35- صلى الله عليه وسلم

36- صلى الله عليه وسلم

37- صلى الله عليه وسلم

38- صلى الله عليه وسلم

39- صلى الله عليه وسلم

40- صلى الله عليه وسلم

41- صلى الله عليه وسلم

42- صلى الله عليه وسلم

43- صلى الله عليه وسلم

44- صلى الله عليه وسلم

45- صلى الله عليه وسلم

46- صلى الله عليه وسلم

47- صلى الله عليه وسلم

48- صلى الله عليه وسلم

49- صلى الله عليه وسلم

50- صلى الله عليه وسلم

51- صلى الله عليه وسلم

52- صلى الله عليه وسلم

53- صلى الله عليه وسلم

54- صلى الله عليه وسلم

55- صلى الله عليه وسلم

56- صلى الله عليه وسلم

57- صلى الله عليه وسلم

58- صلى الله عليه وسلم

59- صلى الله عليه وسلم

60- صلى الله عليه وسلم

61- صلى الله عليه وسلم

62- صلى الله عليه وسلم

63- صلى الله عليه وسلم

64- صلى الله عليه وسلم

65- صلى الله عليه وسلم

66- صلى الله عليه وسلم

67- صلى الله عليه وسلم

68- صلى الله عليه وسلم

69- صلى الله عليه وسلم

70- صلى الله عليه وسلم

71- صلى الله عليه وسلم

72- صلى الله عليه وسلم

73- صلى الله عليه وسلم

74- صلى الله عليه وسلم

75- صلى الله عليه وسلم

76- صلى الله عليه وسلم

77- صلى الله عليه وسلم

78- صلى الله عليه وسلم

79- صلى الله عليه وسلم

80- صلى الله عليه وسلم

81- صلى الله عليه وسلم

82- صلى الله عليه وسلم

83- صلى الله عليه وسلم

84- صلى الله عليه وسلم

85- صلى الله عليه وسلم

86- صلى الله عليه وسلم

87- صلى الله عليه وسلم

88- صلى الله عليه وسلم

89- صلى الله عليه وسلم

90- صلى الله عليه وسلم

91- صلى الله عليه وسلم

92- صلى الله عليه وسلم

93- صلى الله عليه وسلم

94- صلى الله عليه وسلم

95- صلى الله عليه وسلم

96- صلى الله عليه وسلم

97- صلى الله عليه وسلم

98- صلى الله عليه وسلم

99- صلى الله عليه وسلم

100- صلى الله عليه وسلم
پیام‌ها:

1- ریشه‌ی بی‌پرستی، هواپرستی است. «سرنا علی اکتنه، اخذ‌الله هواه»

2- خداوپرستی در فطرت هر انسانی وجود دارد، لذا او در مصداق واقعیت حق‌ گرفتار اشتهای می‌شد. «انخذ‌الله هواه»

3- انبیا مستثنی‌ترند از هم‌ارادی هواپرستان ندارند.

«افاقت تکن علیه و کیلبا»

4- انسان دارای اختیار است. «افاقت تکن علیه و کیلبا»

5- تریبیت و ایمان باید بدون اجبار و اکرها باشد.

«افاقت تکن علیه و کیلبا»

(ام تخمین‌ان اکثرهم سخت‌نگردان و اعقلون هم‌مالاً) (۴۴). «کالفه‌ای بِلَ هم‌مالاً سِیلاً»

(آیا گمه می‌کند که اکثر فاقد (حق را) می‌شوند و (در) آن) می‌اندیشدند؟ آنان جز مانند چهارپایان نیستند بلکه گرامی‌شان‌(زیرا آرش انسان به تعلق و بیش اوست)». 

بخت‌ها:

قرآن به هنگام انتقاد از کافر، کلمه‌ی اکثر را به کار می‌برد تا حساب آن دسته را که هدایت می‌شوند از باقی جدا کند.
تفسیر سوره هریکان

2- کفر و نبذ فتن دعوت انگیز. بو خریدی است. «ام تعجب آن اکثر بکس مسموعان و عقلان»
3- انسان که خليق ی خدا می باشد، با تاییده فرتن فطرت خود از جهان نیز پیستن می شود. «آن هم اکثر کالانعم بل هم اهل سیبلا»

«المترائی ربط کننداقداالظن ولرها لجماله
ساتانا تم جعلنا الشمس علیه دیلذا» (45)

آیا به قدرت پروردگار می نگری که چگونه سایه را گسترد است؟ و اگر می خواست آن را ساکن (و ثابت) قرار میداد (تا همیشه شب یا بین الطلعین باشد) سپس خوششاندا را دلیل و نمایندها این قرار داده می شد.

(۳۵۳۵) «سپس آن سایه را (ندک اندک) به سوی خود جمع می کنیم.»

پیامها:
1- بهترین راه خداشتساب برای همگان، تفکر در پدیده های هستی است که بر اساس حکمت الهی افریقده شده است. «ام مت ر»
2- گردش زمین به دور خود و خورشید را، به تصوری نیست، حکمات و مدیراناست. «امترائی ربط کننداقداالظن»

یک گروه را جمله عقل و علم و جواد او فرشته است و ندادند جز سجود
یک گروه دیگر از دانش همچجع جوان ازعلف در فربه این سوئم استدام زادت بشر نیم از او فرشته و نیم زخر آن دویم اسوده از چنگ و چرخ وبن بشر با دو مخالف سر غزل یک گروه مستفرق مطلق شده همچون عیسی با ملک ملحق شده نقش آدم لیک معنا جیربل رسته از خشم و هو و قال و قیل قسم دیگر با خزان ملحق شدند خشن محض و شهوت مطلق شدند

۳۳ ۳۳ ۳۳ ۳۳

آدمی زاده طرف عمجی است کی فرشته سرنشته و بروان گر رود سوی این، شود به این ور رود سوی آن، شود پس از آن

پیامها:
1- انسان برای هدایت خود باید به رهنمودهای پابیا درونی (عقل) و پابیا پیدایی (فرا دهد. «ام تعجب آن اکثر بکس مسموعان و عقلان»
تفصیل سوره هرکان

۶۴- و قرار داد برای شما شب را لباس

(ب) همسری: «هر لباس لکم وانت لباس فری»

۶۵- همسان برای شما لباس وشمای را آنان لباس هستید.

(۴) تقوای: «لباس الیقادا، دلک خیر»

۶۶- و لباس قوی بهتر است.

"سیب" یعنی قلعت و تعطیل کاری. به استراحت از تاریک یا نیز "سیب" می‌گویند. "نشور" از "نشر" به معنای پخش شدن مردم در روز برای کار و تلاش است.

پیام‌ها:

۱- گردش شب و روز تصادف نیست، اهداف و برنامه‌های حکیم‌انداز در آن نهفته است. «جمل لکم الی لباس و الیوم سیابان»

۲- پیدایش شب یک نعمت الهی برای بشر است. "لکم".

۳- خواب و پیدایی خود را با طبیعت هماهنگ کنیم. "الی لباس و الیوم سیابان". تاریکی و سکوت در ایجاد آرامش مؤثر، چنانکه وجود نور در تلاش و جنبن نیز به جوش انسان مؤثر است.

۴- شب، حافظ حسن و سلامتی است. چنانکه لباس، حافظ بدن است. "اللی لباسا".

۵- گردش شب و روز و آرامش در شب و تلاش در روز، نشانه‌های روییه خداوند است. «رک کفید مدل الظالم و هوادی...»

۶- انسان عرف در نعمت‌های، ولی یا دیده‌ی عیرت به آن‌ها نمی‌گردد. «لمرانی رک کفید مدل الظالم»

۷- گستردگی و طولانی‌السین مدت سایه به خاطر پورش و ردش و شکوفایی است. «رک... مدل الظالم» (آخر نور، مستقیم و یا سایه دانمی‌بود، یا همگی می‌سوختند و یا منجمد می‌شدند).

۸- گرچه خداوند قدرت دارد که در طبیعت تغییر و تحول‌شدن ایجاد کند، ولی خداوند سنت خود را ترک نمی‌کند. «لوشات»

۹- تداوم جهاد هستی به دست ایستاده. «لوشات جعل ساکتا»

۱۰- گرفتن هیچ چیز برای خدا سخت نیست. «فسقا یسرآ»

۱۱- و هر آلیزی جعل کلم الی لباسا و الیوم سیابان از جعل

(۴۴) الظالمان»

(۴۴) الظالمان»

(۴۴) الظالمان»

وا کسی است که شب را برای شما پوشش و خواب را آرام پخش گردیده و روز را زمان برعکستن (و تلاش) شما قرار داده است.

نکته‌ها:

درقران کریم چند چیز به عنوان "لباس" یاد شده است: انف) شب: «جعل لکم الی لباسا»
۶۸

تفسیر سوره فرمان

۶۷

"وَهُمُ الَّذِينَ أُرَسِلَ الْرِّيَاحُ یُشْرَأَ بِنَبِیٓ بَنِیٓ اسْرَاهِلِهِنَّ وَأَنْزَلْنَآ مِنَ الْسَّمَاءِ مَآءً طَهُوراً" ۴۸

و ای این‌دی‌ی‌ی است که بِبی‌ه‌که را مَّرْحَم‌ه‌ای پی‌شی‌ب‌شی (پاران) رَحْمَت فُرستاد و از آسان، آبی پاک‌ه‌کن‌د، فَرْوِ فَرْسَتَدِیمَ.

"لِحْیٓهِ بِبَلَدَةٖ مَنْتَا وَرَضِیٓهَا سَیَا حَلْقِیَا اَنْعَامٌ" وآنَانِیِّ گَیَّرَا ۴۹

تا به وسیلهٔ اَن‌سَرْمیْن‌ مَرْدَه (و پَرْمُرَده و خَشَک) را ۴۹ زِنْدَه گَرَدَانِیم و آن را به چَهَارْبَی‌اَن و مِرْدَماً بُسَبَار از مَخْلُوقَات ۴۳ خَدَوِ بِنْوَشَنِیمَ.

یک‌تَه‌‌ه‌ا: ۴۹

"طَهُوراً چِبَزی را گَوْنِد ۴۹ که هم در نهایت پاکی است و هم پاک‌کن‌ده مَی‌بِان‌د.

کلمه‌ی "بَلَد" به معنای سَرْمیْن‌ است، خَوَاء شِهَر بَاب‌د ۴۹ یا رُوْسَتَ و مَزَرْعَه، به دَلِیل آیاتی ۴۳ سَرْمیْن اَبِراع که مِقَام‌ی‌د: "و اَبِنَدَ الْطَّیِّبُ بَخْرُجْ ۴۹ تَحَّلَّیْ نِیْا ۴۹ بَارُدَن رتْه" سَرْمیْن‌ تِی‌کَو ۴۹ اَلَن پَرْمُرَدِی‌گَرْشَ گَیَّاه خَوَد را بِبرَن مِرْدَماً

۴۹ و رَوْشَنِی است که رُوُنِدِن گَیَّاه مَخْصُوص شِرْه.

یک‌تَه‌‌ه‌ا: ۴۹

کلمه‌ی "انَسَی" جمع "انَسی" متَرَفِد مَنْعَلِی اَنْسَان‌ است. در استفَادِه اَز آَب، بِی‌شِرَن‌ سَهَم به کَشَوْرَزی، بعد جَیوْنَاتَ و سَیِّس به اَنْسَان‌ اَه اکْتُصَاص دَارد. به خاَطِر
پیام‌ها:

۱- قرآن، کتاب هدایت است و یادآوری و تکرار لازم‌های هدایت. «صرفنا... لب‌گیروا»

۲- یادآوری نعمت‌ها، شکر نعمت‌های و غفلت از آنها، کفران اتهام‌ها. «لی‌بُزْرُوا... کفورا»

۳- شاکران نعمت‌ها، کم هستند. «فَای آیاتِ النَّاسِ الآَلِی»

وَتَوَرَّثْنَا لَعْنَتًا فِي كُلْ قُرْآنٍ تَنْزِیلاً» «۵۱»

و اگر می‌خواستیم در هر آن‌دی، (پیامبر و) هشدار دهدیم بری‌می‌انگیختیم

نکته‌ها:

این آیه به نوعی بیانگر خاتم‌ی پیامبر اسلام و جامعیت مکتب اواست، چرا که می‌فرماید: در کنار تو هیچ پیامبری در هیچ کجا معونت نشده است، زیرا در مکتب و شخصیت‌تان تو از اراده کل جامعه هست و نیاز به دیگری نیست، تو دارای چنان مقامی هستی که با وجود تو پروندهٔ نبونت خاتمه می‌یابد.

پیام‌ها:

۱- رسالت پیامبر رسالت جهانی و مکتب اسلام مکتی جاوادی است. «وَتَوَرَّثْنَا لَعْنَتًا فِي كُلْ قُرْآنٍ تَنْزِیلاً»
تفصیل سوره هرکان

فَرف‌کان

۷۲

پیام‌ها:

۱- انسان موجود با عظیمی است. «شِرَا» (تیویشانه عظیمی است)

۲- زندگی انسان بر اساس پیوندهای سببی و نسبی شکل می‌گیرد. «نسباً و صهراً»

۳- در این آیه از پیشگان نسبی قبل از پیشگان سببی سخن به میان آمد. این آیه تا رمز اولویت آنان باشد «نسباً و صهراً»

۷۱

پیام‌ها:

۱- پروری نکردن از کْفار کافی نیست. جهاد لازم است، آن هم جهادی زبرگ و هم جانبه. «فتا نُطِعْ... و جاهدهم به جهاد گَبّا»

۲- مبارزه منفی، یک از شیوه‌های مبارزه است. (با ترک اطاعه از کْفار، با آن چهاد کن) «فتا نُطِعْ... و جاهدهم»

۳- قرآن بهترین ابزار جهاد علمی و فرهنگی و نیروانترین وسیله بحث و محاجه با دشمان اسلام

است. «جاهدهم به»

و چگونه جذبِ یَحْرُونِنِن هنگام سنة دُرَّات و هم‌گذا مُلْحَن

أجَدَى رَنْعَهِ بِنِتْهَانِ بَرْزَخًا وَحَرْجُرا مُحْجُورِا (۵۵)

و او خداوند است که دو دربارا به هم پیوندهای شیرین و گوارا آن دیگری شور و تلخ و میان این دو حاصله قرار داد که همیشه از هم جدا باشند.

پیام‌ها:

۱- با اراده خداوند حتی اگر میانه در کِفار هم باشد با یکدیگر مخلوط نمی‌شوند. «حعل بینهم بَرْزَخًا»

و چگونه خلق‌م اَلِمَا بَرْنَا ۲۷۷ فجعُهُا ۲۶۸

وَصَهِرًا وَكَانُ رَكْنُ قِدْرِیَا (۵۴)

و او کسی است که انسان را از آب آفیده و او را دارای پیوند نسبی و سبی و گردانده (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد) و پیوردارق تو هم‌واره توانایست.»
تفسیر سوره هرکان

- هر مسئولی شرخ و ظالیفی دارد، بیارت و انثار از وظایف انبیاء است.

پیام‌ها:

1- انبیاء ضمن وظیفه خود هستند، نه تنها، «ما ارسلانک الا میترا و نذیرا».

2- در ارشاد و تبلیغ، هشدار و مهربانی در کار هم کارساز است. «میترا و نذیرا»

3- انبیاء حق اطلاع مردم و سیطره بر آنها را ندارند. «الا میترا و نذیرا»

4- رشد انسان در سبیل میم و سیل است. «میترا و نذیرا» چون انبیاء برای رشد و تکامل انسان مبعوث شدند.

قبل ما انتخاب یکی از این اخوان از من شآ، آن یک خاتم از رهبری سیتالا» (۵۷)

گوی: از شما هیچ گونه مردی در برای رسالت در خواست نمی کنم، مگر (این که) کسی بخواهد به سوی برورداگارش راهی در پیش گردد.

نکته‌ها:

قرآن درباره پدیده زحمات پیامبر اسلام می‌گوید. چند نوع تعیین دارد (که در دعای نیز، همه‌ی آیات این موضوع در کار هم آمده است):

و تبعیدون من دون الله ما لا تنفعهم ولا يضرهم» (۵۵)

و انان کافرین على ربه ظهرأ» (۵۵)

و آنان غیر از خداوند دژهایی را می‌پرستند که نه سودشان می‌دهد و نه زیانشان می‌رساند و کافر همواره در برادر برورداگارش پشتیبان یکدیگرند.

نکته‌ها:

کسانی که از برپست خدا سرباز دزدند، گرفتار برپست به‌هایی (از جمادات) شده که در پایین درجه هستند. چون اول جماهات، بعد بیات، بعد حیانات، بعد انسان بالا از این است.

پیام‌ها:

1- عملی ارزیابی از که بدنیان یک جلب منفعت یا دفع ضرری باشد و در برپست بیا همگونه سود و زیانی نیست. «ویکنون من دون الله ما لا تنفعهم ولا يضرهم» (۵۶)

2- مشترکان، کافر و پشتیبان یکدیگرند. «کافر» علی ربه ظهرأ»

۶۰۰ آرستاکن ایلا میترا و نذیرا» (۵۶)

که تو را جز مردکاران و بیم دهنه نفرستادیم»

نکته‌ها:

- در این آیه‌ی کوتاه، هم به توحید اشاره شده است، «ارستاکن هم به نبودن، که» و هم به معاد، «میترا و نذیرا».
پیام‌های:

۱- انسان در انتخاب راه و عقیده آزاد است. «من شاء»
۲- مردم ابتدا این است که مردم راهی را انتخاب کنند که به خدا منتهی شود. «آلی ربه مسیلیا»

پاداش من بر خداست. «إن اجري الا على الله»
پاداش مین محبت اهلیت من است. «الا المیرا في الغرمی»
پاداش من قرار گرفتن شما در خط خداست. «یتخد ای ربه مسیلیا»

- آری بپروری از خط خدا جز از طریق مودت و اطاعت اهل بیت پیامبر است. در دعای ندبی می‌خوانیم: فکریا هم السبل الیک راه خدا راه اهل بیت پیامبر است.

پیام‌های:

ید بکار رفتن علی الخیال الالّه و سلبی و سلبی یخندی
و یکی در نظر عبانی خیارا» (۵۸)
و بر (خدا) زندگی که هرگز نمی‌بندُر تولَک کن وبِسایش او نسبیو همین بس که او به گناهان
بدگانش آگاهی دارد.

وازه‌ی «توکل» با مشتقانش هفتاد بار در قران آمده است. تولک به معناي تکه کردن بر خدا و ولی گرفتن او در کارها است.

در این قرآن به پیامبر قره‌مود: به مردم بگو من مدعی از شما نمی‌خواهم، گویا در این آه می‌فرماید: رهبران دینی که به مال مردم چشم داشتی ندارند برای
زنگ‌گی خوی باید تناها به خداوند تولک نمایند.

توکل بر خداوند به معنی‌های رها کردن تلاش و کوشش نیست. جانکه ولی می‌گوید:
گفت پیغمبر به آوای بلند
با تولک زانوی اشتربین
رمز الهام حیب اللّه شنو
از تولک در سبب کاهش مشو
رو تولک کن تو با کسب ای عمو
جهد می‌کن کسب می‌کو به مو و
1- لطف خداوند با آنگه ی بی نیاز مطلق است، به قدری است که از بندی می خواهد ار را وکیل خودش قرار بدهد. «تو گل»

آری حضرت علی گر در نهج البلاغه می فرماید: "خداوند از لطفش همه جز به ما عطا کرده و از مهرش از ما قرض می خواهد. ممن دلیلی بر پرس الله فرضا حسننا".

11- علم خداوند به زنانه مردم دانست. "کلیه خیبر که نشانه دوست است".

12- ثابت کردن خلاف در دادگاه‌های دنیا نیاز به شاهد دارد. لی در قیامت علم خدا کافی است. "وت گل چنین عباده خیر".

13- رهبر جامعه باید به ماندگارترین (لا بموت) قدرت‌مدهترین (الذي حق السمونات) اگاهترین (فاتست به خیر) تکیه کند.

"آلفی خلق السمونات والارض وما ينجم فى ستنه أئام" ثم استوا على العرش الراحم فستى يخيرا." و911 خداوند که اسماشها و زمین و آنجه را میان آنان و "در شش روزگار افید. سپس بر عرش (قدری) استیلا و تسلیم یافت. از سعی خدا بر حمایه به آنها به به حساب کفای لجیسیم. و کفی به بذنوب عباده خیریا."
الف: تفسیر سوره فرکان

79

بر همه چیز آگاه است، یا درباره آن چیزی بی‌که می‌دانید؟

نتیجه‌ها:

درباره آفینش چهان در شش روز، در قرآن شش مرتبه
سخن به میان آمده است. مثلاً از شش روز، ششم دوره
و مرحله است:

با تأثیر گشته از عالم جدا
تا به شش روز این زمین و جرخ‌ها
ورنین قدار بود که چون فیکون»

صد زمین و جرخ اورده بلون

این تأثیر از بر تنظیم توسه
صبر کن در کار دیر ای و درست
کلمه‌ی ع刦ش در قربانیت سلام، مرکز فراموشی و
تدریب آفینش است و مراد از «استی علی العلی»
همان تسلی اهلی است، به دلیل آیه‌ی 3 سوره یونس که
می‌فرماید: «مشیعت علی العلی دیپتی الامر»

رحمت الهی بر همه چیز گواتره است:

1 - نظام تک‌وی و آفینش چهان، بر اساس رحمت
است. «خلیق السماوات والارض... الرحمن»

2 - نظام آفینش انسان، بر اساس رحمت است. «الا
مین رحم رتبی و لذلت خلقهم»

80

- نظام تشريع و قانون‌گذاری، بر اساس رحمت است.

- نظام قیامت و حسابسی، بر اساس رحمت است.

- کتب علی نامه‌ها لیب‌کرکم»

پیام‌ها:

1 - آفینش هستی، به تدریج صورت گرفته است.

2 - خداوند هم جهان را آفید و هم بر آن سلطه
کامل دارد. «خلیق... از نیمی»

3 - تدریب هستی بر اساس رحمت الهی است. «تم
استی علی العلی الرحم»

4 - از کسی چیزی به‌خواهید که اهل رحمت باشد.

5 - سوال کردن عیب نیست، ندانستن عیب است.

6 - مراجعت به کارشناس در معرفات الهی لازم است.

و اگر قبل لحم اشجودا لرحمان قالاو، و نما الرحمان

اَسْتَحْبَلْ لَهَا تَأَمَّرْنَا وَزَادْنَهُمْ نُفُورَانَ)۶ (۳۰۶

و جوین به آنان گفته شد (خدای) رحمان را سجده
کنید، گویند: رحمان چیست؟ آیا به چیزی که تو
تفسیر سوره هرکان

۸۲

نکته‌ها:
به فروده‌ای امام باقر، مراد از "بروج" در این آیه ستارگانند.

نکته‌ها:
"سراج" به معنای خورشید است که تورش از خودش می‌یابد، چنانکه می‌خوایم: "و جعلها الشمس سراجا" و اگر تورش از بیرون باشد به آن "می‌تر" گفته می‌شود.

بیان‌ها:
۱- افرنیش ستارگان، خورشید و ماه، جلوه‌ای از برکات‌الله است."بازارک النّدی....." و حمّت النّدی جعلَ الّلِیَ و النّهار: خُلقه لَم لَهُ آن رَآئَد اَن يَذْکَرَ آن رَآئَد مَكُورَهَا ۴۲۹
و اوست که شب و روز را برای هر کس که بخواهد عیرت گیرد یا بخواهد سیاسگزایی نماید، جانشین یک‌دیگر قرار داد.

نکته‌ها:
کلمه‌ی "خلقه" به معنای جایگزینی دو چیز به جای یک‌دیگر است.

۸۱

تفسیر سوره هرکان

فرمان‌مان می‌دهی سجده کنیم؟ (این دعوت) بر رمیدگی آنان می‌افزاید.

نکته‌ها:
کلمه‌ی "حمین" رمز رحمت دائمی و پیمان و از تأمین‌های اختصاصی پرودگار است.

بیان‌ها:
۱- سجده، مظهر یکپاربری و روح ایوان توحیدی است. "اسعدوا" (از میان همه‌پرسی راه‌نما، تئاتر سخن از سجده به میان آمد ایست) ۲- در امر به معروف، به دلیل امر خود اشاره کنید "اسعدوا الرحمن" (دلیل سجده شما، رحمت گسترده خداوند ایست) ۳- کفر و لجاعة باعث می‌شود دعوت انبیا نه تنها کارساز نباشد، بلکه می‌یابد و نفرت بیشتر کافر از کلام حق شود. "زایده نفوذ".

بیان‌ها:
"بازارک النّدی جعلَ الّلِیَ و النّهار: خُلقه لَم لَهُ آن رَآئَد اَن يَذْکَرَ آن رَآئَد مَكُورَهَا ۴۲۹
"فینه سراج و آتش مریم ایست" ۶۱، فرخنده و مبارک است که در آسمان بچه‌هایی قرار داد، و در آن، خورشید و ماه ثابتان نهاد."
درس توحید گرفتار آن نظام حاکم بر هستی، به اراده ما بستگی دارد. چه بسیارند کسانی که عمر خود را به تحقیق درباره پیدایه‌های سری می‌گذارند وی چون اراده عبیر گرفتن ندارند، درسی از آن نمی‌پذیرند. این گونه افزاد به اتیوهارویی مانند که هماوردی در آینه نگاه می‌کند وی ليس خود را رمز نمی‌کند، در حالی که ممکن است غروبی تناها را یک نگاه با چانه، کجی پیشکش را صاف کند. پس تا نگاه کافی نیست، ارادهای اصلاح نیز لازم است.

با این سخن، نام ایرانی به‌بیشی دانشمندان علمی به آنکه تمامی را در تکانیک در طبیعت گذارند، خانشی نستند نیز مشخص شد. چون آن از قدس شناخت خالق اقامتی تکانیک داشتهIMAGE 1

همچنان نجایی که نیروزهایی زیادی ساخته، اما
خودش اراده با لازم رفتن از آن را نداشته است.

پیام‌ها:

۱- گرچه ی بردی بودن شرب و روز برای ما عادی

است، ولی با چشمه بصرت دلیل نظام در این جهان

است. «جعل التلیم الاله خلقا ن آراد ان یذکر»

۲- اراده و خواست انسان، زمینه‌ریز شد و است. «لن

اراد ان یذکر»

۳- انسان موجودی دارای اختیار است. «لن اراد»

نتایج سوم‌های است: «لن اراده»

۱۰۶ - عبایت، زمینه‌نزول فرشتگان را فراهم می‌کند.

۱۰۷ - عبایت، دعای انسان را مستجاب می‌کند.

۱۰۸ - سیمای عبایت:

- عبایت و بندگی، زمینه‌برای عروج پیامبر ۱۰۶ به

اسمال موده است.

۱۰۹ - عبایت، زمینه‌نزول فرشتگان را فراهم می‌کند.

۱۱۰ - انسان، دعا ی انسان را مستجاب می‌کند.

۱۱۱ - عبایت، دعای انسان را مستجاب می‌کند.
تفصیل سوره فرقان

کارهایی که ما بر اساس قفلت و سرعت یافته‌ایم که خداوند در هنگام بیشتری قرار داده، انجام می‌دهیم، ارزشمند است. عبادت و پرستش نیز یکی از امور قفلت است و نداشتن آن، موجب افزایش نامه‌هایی بشیر، مربوط به مبهم و سمجدها است.

هدف انجام نیز دعوت و توجه به روح پرستش و عبادت در جامعه بشری است.

عبادت چیست؟
عبادت، هدف افرادی است که قرار می‌گیرد:

» «و این من اخباراً لاماً بی‌هسوی مشری‌اند»

» «بعضی از سگ‌ها از خشونت ما باز می‌شوند، ولی به زمین سقوط می‌کنند»

عبادت باعث نکردن جن و انس را خلق برای عبادت می‌کند.

عبادت نشانه اراده و شخصیت انسان است. انسان
که در میان غرایز و تماشا‌های قرار دارد، اگر دل بکند و
به سوی خود بروز ارتش دارد.

عبادت، جزیره‌های کوچک انسان زمینی را به سرچشمه
همسی وصل می‌کند.

عبادت، علی‌تک‌هایی از بالا به تمام هستی.

عبادت، عنی‌نکوکفا گردن استعدادهای عرفاتی و
معنی‌نپذیره در وجود انسان.

عبادت، تجدید عهد با خداوند و تازه نگهداریش.

عبادت، مانع غنای و برطرف کندن‌های آثاران است.

عبادت، زیر قرار می‌گیرد.

عبادت، از سنگ و جمال پست‌تر است.

عبادت، انسان خداوند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کند.

عبادت، پرستش نمی‌کнд.
تفسير سورة فرقان

87

جًن يكي از احساسات عميق، انسان میل به نهایت، عشق به کمال و علایق به قباست، رابطه با خداوند و پرستش او تا همین کندی این تماشای قطعی است. عبادت، رابطه انسان با سرچشمه کمالات، انس با محیوب واقعی و پاهنگی به قدرت به نهایت است.

روح عبادات:
عبادات، غذای روح است، بهترین غذا آن است که جذب بهن شود. بهترین عبادت نیز آن است که جذب روح شود، یعنی با نشاط و حضور قلب انجام گیرد.

پیامبر (ص): «طوبی لم عشق العبادت و عاشقها». «خوشآ به حال کسی که به عبادات عشق ورد و آن را همچون محیوبی در برگیرد.»

فسفه عبادات:
آرام بخش است: «آلی داکر الله تطمنقلب»
«آگاه باشد با یاد خدا، قلبها به اطمینان و آرامش می رسد»

تشکر از خالق است: «اعبدوا ریکم الذي خلقتم» 

برستش کنید بپروردگاتران را که شما را افرید.
و عبادات اهمری هرای مکمله با مشکلات است:

«استینروبا بالصر والصلوة» ۱۹۱ از صیر (روزه) و نماز
(برای مققله با مشکلات) کمک جوید.

۸ عبادت و ولایت:

عبادات زمانی ارزش دارد که سطحی نباید، بلکه
همراه با شناخت رهبر آسمانی و ولایت او باشد.

حضرت یاعر گرفتار یک عده نزادر خشک
مقدس یکی که در تاریخ به نام مارقین و خوارج
مروفند. کسانی که پیشانی آنها به خاطر
سجده‌های طولانی و مکرر بیشتر نبود، اما در
برابر علی (ع) قیام کردند. گمان تکنیک آنها که برای
کشتن امام حسین (ع) امده بودند، همه تارک الصلو
بودند، بلکه نمای جامعت می‌خوانند.

آرزو عبادات باید هرمه با معرفت رهبر حق و اطاعت
از او باشد، لذا در روایات آمده که خداوند چرا
واضح کرد تا مردم دور خانه او جمع شوند و در این
مرکز اجتماع با امامان ملی مخصوص ارتباط بقرار
کند. اما امروزه میلیون‌ها نفر گرد که می‌گردند و از
هم گسیخته‌اند.

اگر عبادات توسط رهبران الی اقامه شود، بساط ظلم
و طاغوت را بر هم یزند، قرآن می‌فرماید:

عصر روز نهم محرم در کربلا، لشکر یزید به خیمه گاه
امام حسین (ع) حمله کرد. امام فرمودند: «یک شب
چگونه با تأخیر بیاندازید که من نمای را دوست دارم و
می‌خواهم امشب را تا صبح به عبادت پردازم!» ۱۱۸

۹ عامل ولایت:

گرچه نمای یک ارتباط رویه و معنوی است، اما
اسلام خوائه‌ای این روح را در قالب یک سطحه
برنامه‌ای تربیتی پیاده کند. لذا یکی که بودن لباس، رو
به قیمه بودن، درست خواندن کلمات، میان بودن
میکان و لباس از شرایط صحت نمای است که مربوط
به جسم است ن رو. دقت در این شرایط به خویش
می‌رساند که هر یک از آنها نقش مؤثری در تربیت
امان‌ها دارد.

۱۰ ولایت بر جهان:

از پرکان عبادات است که انسان به تدریج و گام
به گام بر جهان تسلیت بیدا می‌کند. از جمله آنها:

«ان یک‌ها الله یک‌ها لکم یک‌ها قرآن!» ۱۱۶

«اگر تروا بیشتر کنید، خداوند قدرت تشخیص حق از
باطل را به شما دهد!»

و در جای دیگر می‌فرماید: «یک‌ها لکم یک‌ها قرآن!» ۱۱۷

«در سایه عبادت و تقوای خداوند نوری به شما عطا
می‌کند».
تفصیل سوره هرگان

«هوئین» یعنی به معنای تواضع و مدارا و نرم‌خوابی است و هم به معنای سکینه و وقار.

امام صادق (ع) فرمود: مراد از «هوئین» زندگی کردن بر اساس فطرت و هماهنگ با روحیه‌ای است که خداوند افرادی است. یعنی نبگان خدا، خود را به تکلف و رنج و ثواب نمی‌اندازند.

کلمه‌ی «سلام» در این جا به معنای سلام وداع و جدایی از یاوها و برخورد مسالمت‌آمیز است. چنانکه درباره حضرت ابراهیم (ع) می‌خوانیم: همین که عموماً او را طرد کرد و گفت: از من دور شو، ابراهیم (ع) گفت: «سلام علیکم سَمِتَغَفِرِ لَکَ».

خداوند، به زودی برای تو از پیشگاه خداوند طلب آموزش‌های خواهد کرد.

«یبتون» به معنای شب‌زنداده‌ای است، خواه تمام شب یا نیمه یا بخشی از آن، چنانکه یکی از اعمال حج یبتون‌های زائران و حاجیان در شب یاده‌ای و شب دوازدهم ذی الحجه در سرزمین می‌است و فقه این مقدار یبتون در آن مکان را نیمه از شب داستاندارند.

حضورت هم یبتون در وصف پارسایان می‌فرماید: «آمآ اللیل قصافون اقدامهم» آنان شب‌ها در حلال قیام و شب زنداده‌ایند، آنان عابدان شب و شیران روغن.}

تفصیل سوره هرگان

«و آیت‌م ما اصالت و آوازه‌کاری و اطباع الزناد»...»

«مضاورا با داداری و زکات بهدید و از رسول خدا اطاعت نکنید.»

حال توجه کنید به آیاتی که خداوند نشان‌دهی عبودیت را برسرماد.

و عبادت الرحمان الذين يمشون على الأرض هُنَا وَإِذَا خَاطِبْهُمُ الجَاهِلُونَ فَأَقُلُّنَ سَلاَمًا» (۶۲) و بندگان خدا رحمان کسایی که روی زمین بی‌تکرار راه مروند و هرگاه جاهلان آنان را طرف خطاب قرار دهند (و سخنان نابیرخواندگان کوبدن) با ملامیم (و سلامت نفس) پاپیش دهنده

و الأذينين لْيَبِينُنِّيْمُهِمْ سَجَدًا وَقِيْماً» (۶۳) و آنان که برای پورودگارشان در حلال سجده و قیام شب‌زنداده‌ای می‌کنند.

در این آیات، دوازده صفت از صفات ویژه عباد الرحمن (بندگان خدا رحمان) بیان شده که بعضی اعتقادات، بعضی اجتماعی و بعضی اخلاقی است. شاید مراد از «فّشَ» و حرکت آرام در زمین، تها نحوه‌ی راه رفتن نبایش، بلکه شب‌وهی زندگی معادل را هم شامل شود.
<table>
<thead>
<tr>
<th>سورة</th>
<th>تفسیر ترجمهقودرود</th>
<th>تفسیر سوره هرکان</th>
<th>تفسیر سوره هرکان</th>
<th>تفسیر سوره هرکان</th>
<th>تفسیر سوره هرکان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>۱۰- ۱۱</td>
<td>- مدارا و حلم و حوصله، از صفات بارز مؤمنان است. «قالوا سلاما» (آگر بعضی می‌گویند که جواب ایله‌بان خاموشی است، فرقان می‌فرماید، جواب آنان سلام است) - ۱۲- ۱۳</td>
<td>- ۱۴- ۱۵</td>
<td>- ۱۶- ۱۷</td>
<td>- ۱۸- ۱۹</td>
<td>- ۲۰- ۲۱</td>
</tr>
</tbody>
</table>

**پیام‌ها:**

۱ - «عبادالله!» زیر انسان به راهای انسان را با می‌برد.

۲ - یکی از حکایات نشان دهنده شخصیت عبودالرحمن خداوند می‌شود. «عبودالرحمن» می‌شود علی الأرض هونا» (یعنی کسی که بنده خدا نمی‌بیند جلوه‌ای رحمت مثل سلام و تواضع و بینویش به دو نمایان باشد).

۳ - اسلام، دین جامعی است که حتمی برای چگونه راه رفتن برنامه دارد. «عسکر هونا» (یعنی عسکر علی الأرض هونا).

۴ - ایمان و اعتقاد انسان، در رفتار شخصی و مؤثر است. «عبودالرحمن... یعنی می‌شود...»

۵ - تواضع، شمرده بندگی و نخستین نشانه‌ای است. «عبودالرحمن... یعنی می‌شود...»

۶ - سرچشمه مدارا و نرم‌هوا بندگان خدا، ایمان است‌ چه ترس و ضعف آنان. «عبودالرحمن... یعنی می‌شود...»

۷ - وقار و نرمی از بارزترین صفات مؤمن است. «عسکر... هونا»

۸ - تواضع نسبت به همه مردم لازم است. (نسبت به نزین و مرد.) کوچک و بزرگ، دانا و نداند. «عسکر... هونا... قالتا سلاما»

۹ - بدا جاهالان مایه به مثل نکند. «اذا خاطره جاهالان لا جاهالان» پس اگر در بخورد بی‌جا‌تان سلام ارزش است، در بخورد با صالحان با اولویت»
تفسیر سورة فرکان

نکته‌ها:
کلمه‌ای (قونوم) به معنای حد وسط و کلمه‌ی (قرام) به معنای وسیله‌ی قیام است.

امام رضاگ(ع) مقدار هزینه و انفاق معنی‌دار را همان مقدار معروفی دانستند که در سوبه بقیره امده: «علی‌الموسع قدره و علی القدر مقداره بالامعروف»، یعنی توانا در شأن توانمندی خود و تهیه‌ست در حداً توان خود مطلق عرف‌بسته‌ی و شأن خود بدهد.

امام صادق(ع) فرومود: این شخش در راه باتل، اسراف است (گرچه‌کم باشد) و بیش در راه حق اقتدار، سختگیری نابای است.

در چای دیگر از قران کریم نیز می‌خوانیم: «لا تجعل بذک مقلة ای عنطق ولا تستعا کل البسط».

نه دست را به گردیدن غل و زنجیر کن (و بیخیل باش) و
نه کامالاً أن را با بگذار (و ولخچی و اسراف کن).

امام صادق(ع) مقداری سنگرهنگ از زمن برداشت و مشت خود را بست و فرومود: این اقتدار (سختگیری و بخش ورزیدن) اسب، سپس مشت دیگری برداشت و دست خود را چنان گشود که همه‌ی سنتگره‌ها به زمین ریخت، آن گاه فرومود: این اسراف است. بار سوم مشت دیگری برداشت و دست خود را کمی بز و در طوری که مقداری از سنتگره‌ها ریخت و مقداری در دستش باقی ماند، سپس فرومود: این قونوم و اعتدل و حد وسط است.

۱۲۵

۷۵

ین یا هرگاه اتفاق کنند ن از حذ کردن و نه تنگ
گیرند و میان این دو روش اعتدل دارد»
تفسیر سوره هرکان

98

یک‌ها:

«الیم» گناه و «انام» کیفر گناه است.
در این آیات در کتاب کارهای مثبت بندگان و پیشی خدا،
کارهای منفی که آن دوی می‌کنند نیز ذکر شده است.
در این آیه شرک، گن و زنا مطرح شده است که در
روایات از بزرگترین گناهان شمرده شده‌اند.

۱۰۹

قلن نفس از گناهان کیبره است، ولی جمله‌ی «الا با حق»
می‌گوید: قلن در مواردی لازم و حق است از جمله:
۱- قصاص قاتل.
۲- زنا با محرم.
۳- زنا کافر با زن مسلمان.
۴- زنا کافر با زن مسلمان.
۵- زنا کافر با زن مسلمان.
۶- مدعی نیوت.
۷- نبوده از دانش و دشمن به بیانی و این اطهار.
۸- مسلمان ساحر.
۹- مفسد و محارب.
۱۰- مرتد.
۱۱- کسی که بر امام عدل زمان خروج کند.
۱۲- مشترک محارب.
پیام‌ها:

1- خطان‌ترین غربه‌یای که انسان را به گنده وادار می‌کند، غربه‌ی غصب و شهوت است و مثل‌پای بر غزار خود مسلط بیشتری. «لا یتبرون - لاینون»

2- دستور قرآن در زمینه‌ی دویزی از شرکت، زنا و قتل، که بن موعظه‌ی نیست. قانونی است که تخلیف از آن کیفری نشده دارد. «و می‌فعل ذلک یلی اثاما»

3- کیفرهای الیه استثنایی نیست، هر کس تخلیف کند کیفر می‌شود. «و می‌فعل ذلک یلی اثاما»

4- قانون، ضمان اجرا می‌خواهد. «و می‌فعل ذلک یلی اثاما»

5- کیفر الیهِ قطعی و حتمی است. «یلی اثاما»

پیام‌ها:

1- ضعف‌ها: له اذارَ بَّنِ الفَّیْمَةَ وَعَلَّمْهَا مَهَانَا) 69 («در روز قیامت عانب او دوردنان می‌شود و همیشه به خواهر در آن خواهد ماند»

2- إِنِّمَا ۖ نَبَّأَ وَآَمَنَ وَصَلَّى صَلَّاهُ وَأَلْبَّ تُبَّیِّلُ للهُ سَّنَاتِهِمْ خَشَاتَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِیمًا) 70 («همگی کسانی که توبه کنند و ایمان اویوند و عمل صالح انجام دهند. پس این‌ان (کسانی هستند که) خداوند بتدیل ساخت و از آن کسی نمی‌باشد و خداوند آمندند و مهربان است».

قسمت سوره فرشان
تفسیر سوره هرکان

۱۰۲

العذاب۳۱۹ کسانی که (مروم را) از راه خدا بزار
می‌دانند و می‌کوشند تا آن را کج جلوه دهدن ... عذاب
خدا نسبت به آنها مصادف است

پیام‌ها:

۱- کیفرهای قیامت، هم کنی است، «خنده» و هم
کیفی. «مهمان»

۲- اسلام، یست تدارد. گنگ‌هار نیز راه به‌گشت دارد.

۳- بی‌هنجام ارتكاب گناه، ایمان از کف می‌رود و
هنگام توبه پز می‌گردد. «لا من تاب و آمن»

۴- توبه، یک انقلاب همه جانبه است، نه یک حرکت
سطحی وفلسفی، عمل صالح نشانه‌تی توبه واقعی است.

۵- توبه و ایمان واقعی، کارهای انسان را تغییر می‌دهد و
وقت ناسبیست او اصلاح می‌کند. «و عمل‌عملاً صالحعاً»

۶- و هر کس توبه کند و کار شایسته انجام دهد، در
حقیقت به سوی خدا بازگشتی پسندیده دارد (و یاداش
خود را از او می‌گیرد).

پیام‌ها:

۱- توبه واقعی آن است که با عمل صالح همراه
باشد. «تاب و عمل صالحاً»

۲- توبه کنند، مهمان خداست. «پرود ای الله»

۱۰۱

بسیار عطاعند، آخرت تو را با خیر همراه سازد و در
حساب با تو م醣ش و سختگیری نکن. خداوند دعای
آن مؤمن را در حقن آن شخص، مستجاب فرموده و او
خوش عاقدش شد.

وقتی که این مرده با پیام‌ها ارگرم به انگاه
رسید او از همه‌ی توانایی‌اش توجه کرد و اهل طاعت خدا
شد. پس از یک هفتمه که غروهی از دشمنان اسلام به
مذکره حمله کردند، پیامبر امان دعای داد، آن
مرد نیز همراه با سلمان‌الانگری دیگر برای دفاع آمده شد و
در درگیری با دشمنان به شهادت رسید و عاقدش به
خیر و سعادت ختم گردید. ۱۳۳

عوامل و جو دارد که کیفر را چنین برای می‌کند.
برخی از آن عوامل به این شرح است:

۱- گاهی داشت شیعیان اجتماعی، کیفر مجرد را دو
برابر می‌کنند. خداوند بیانی که بینان پیامبر می‌فرماید: «م‌ن
یات ممنکن باقی‌مانده سیسته مصادف‌ها العذاب»۱۹۰ هر
کس از این همسران پیامبر کار زشت انجام دهد، دو
برابر کیفر می‌دارد.

۲- گاهی زمان، گناهی را دو برادر می‌کند. مثل گاه در
روش جمعه، چنانکه در روایات آمده است که کار خیر و
یا شر در روز جمعه دو برادر سنجیده می‌شد. ۱۹۱

۳- گاهی کنار کلیدی است، یعنی علاوه بر احتفاء
شخص، دیگران را نیز متحرک می‌کند. «الذین
یصدون عرس منبی و بیوحاً عرجاً»... مصادف هم
تفسیر سوره فرگان

امام صادق (ع): فروموند خداوند بر گوشه واجب نمود که از حضور امام در زمینه هایی مورد نظر جمع‌بندی شود و سپس این اظهار را تلاوت فروموند: «و اگر مرور بالغ مرارا کرمان» ۷۲

بیان‌ها:

۱- تنها انجام کردن حرم است، بلکه شرکت در جلسه‌ی گاهی و شاهد بودن بر گاه نیز ممنوع است.

۲- هر نوع آگاهی و اطلاع و حضور در صحنه‌ای ارزش نیست. «لا یکسانند الروُر» (گاهی از گوشه و کوشش‌گیری از اجتماع، ارزش است).

۳- در این لغو در کلام، عمل واژه ممتنع است.

کلمه‌ی «زور» به معنای کار باطلی است که در قالب حقیقیش در تفسیر به معنای گواهی باطل، دروغ و غنطا نیز مأده است.

در روایت امام صادق (ع) مراز از «زور» در «لا یکسانند الرور» غنی شده است. ۷۲

در تفسیر  مجمع الیمان: مرور با کرامت، آن ایست که هرگاه ناهار شبدان نام هر زشتی را برند، با کتابه تام می‌برند. چنان‌که در روایت از امام باقر (ع): می‌خوانیم: آن هرگاه خوشنود نام خورش را برند، با کتابه تام نام می‌برند. ۷۲

تفسیر سوره فرگان

(و) این نمودهای زیاد و اگر مرور بالغ مرارا کرمان» ۷۲

و (بندگان خدا) کسانی هستند که در مجلس (کفتار و کردار) باطل حاضر نمی‌شوند و جوان بر لغوی عبور کردن کریم‌شاه به‌گذرنده.

نتیجه‌ها:

کلمه‌ی «شهد» دو معنا دارد؛ یک حضور یافتن است و دیگری خبر و گواهی دادن. در این آیه هر دو معنا را می‌توان استفاده کرد. یعنی آنان نه در مجالس به حاضر می‌شوند و یا باطل گواهی می‌دهند.

کلمه‌ی «زور» به معنای کار باطلی است که در قالب حقیقیش در تفسیر به معنای گواهی باطل، دروغ و غنطا نیز مأده است.

در روایت امام صادق (ع) مراز از «زور» در «لا یکسانند الرور» غنی شده است. ۷۲
تفصیل سوره هرکان

و«کسانی اند که می‌گویند: پروردگاری به ما از ناحیه‌های همسان و فرزندانمان مایه‌ی روشی تجربه کن و مرا پیش‌ویژه‌گران قرار ده»

نتخه‌ها:

ایمان باید بر اساس آگاهی و صبرت باشد. در قرآن می‌خوانیم: «و یافذرون فی خلق السماوات والارض ویا ما خلقت هذَا دا طلابا» 35. یعنی مؤمنان خردن، ابتدا در آفرینش آسان‌ها و زمین فکر می‌کنند، سپس اقرار می‌نمایند که پروردگاری تو اینها را پیشه‌ده نیایند. در این آیه نیز می‌فرماید: مؤمنان، چشم و گوش تسته عادت نمی‌کنند.

پیام‌ها:

1- بدنگی، آگاهی و صبرت از اوصاف بندگان ویره خدای است. ار ادا دیگر... لم یخرا آنها صماع و عبانیا بندگان رحمان. اگاهان به سراغ دین می‌روند.

2- انسان در برایه همسان و فرزند و نسل خود متعهد است و یا برای عاقبت نیکی آنها تراش و دعا کند. «ربیا ه‌ب لوا نا از او باجاتا...»

3- تشکیل خانواده و آتش نش همس و فرزند و دعا برای بدست

آوردن آنها مورد توجه اسلام است. «ربیا ه‌ب لوا...»

"آن‌ها که یا خوانن که پروردگاری به ما از ناحیه‌های همسان و فرزندانمان مایه‌ی روشی تجربه کن و مرا پیش‌ویژه‌گران قرار ده":

نتخه‌ها:

در جنگه، جاوانته هستند. چه ثغیر دیگر و متزلگاهی است.

پیام‌ها:

1- پشتی را به‌با دهدن، به‌قطیر، "یافذرون... می‌یخرا آنها صماع و عبانیا بندگان رحمان. اگاهان به سراغ دین می‌روند.

2- انسان در برایه همسان و فرزند و نسل خود متعهد است و یا برای عاقبت نیکی آنها تراش و دعا کند. «ربیا ه‌ب لوا نا از او باجاتا...»

3- تشکیل خانواده و آتش نش همس و فرزند و دعا برای بدست

آوردن آنها مورد توجه اسلام است. "ربیا ه‌ب لوا..."
تفصيل سورة فرقان

۱۰۸

نداشت، نبایرین دعا روح و مغز عبادت است. چنانکه در روایت می‌خوانیم: «الدعو مَعَ العبادة» ۱۳۳

پیامدها:

۱- تکذیب دین، باعث سقوط ارزش انسان است. «قل ما عیوا بکم... فقد کدَّش»

۲- دعا و سیله تحصیل ارزش‌های است. «ما عیوا بکم... لولا دعاو کم»

۳- انسان مهای هدایت و دعا ناجی است. «ما عیوا بکم... لولا دعانکم»

۴- دعوت به حق، از شنوین روبیت خداوند است. «رَبّ لولا دعانکم»

۵- مجازی هستی معنیات است. «ما عیوا بکم... لولا دعانکم» زیرا هستی برای انسان آفریده شده است و انسان برای پذیرش حق و عبادت خداوند.

۶- انسان بدون هدایت و دعا در عمل انبیاء را تکذیب کرده است. «لولا دعانکم فقد کدَّش»

۱۳۳ ماه دعا

دعا زیبایی‌ترین ترکیب هستی و مستحکم‌ترین دستاوردها و ارتباط آفریده و آفرینندگی است. دعا‌کردن، همراه و همگرگی شدن با موجودات در تسییح و قبول «كل له قانون» ۱۳۴ و ذکر که وسیله اطمنان و آرامش

تفصیل سورة فرقان

۱۰۷

نکته‌ها:

کلمهٔ «عايا» به میانی وزن و سنگینی است و چرخهٔ «ما بع‌ا بکم رَبّی» یعنی خداوند برای شما وزن و ارزشی قائل نیست، مگر در سایه دعا و عبادت شما.

کلمه‌ی «عانکم» دو نوع معا شده است:

الف) دعا کردن شما به درگاه خداوند، همین تالیها و تعریف‌ها و دعاها سبب عنايت خداوند به شمام.

چنان‌که در حديث می‌خوانیم: گسی که اهل دعا باشد، هلاک نمی‌شود. ۱۱۷ بعد خداوند از گروه مقابله که اهل دعا نیستند، شکایت می‌کند که شما مغز را تکذیب کرده و به چای نابیش به سراغ بی‌را و هوسا و طاغوت‌ها رفتید، که یک‌فرتین را هخود دید.

ب) دعوت خداوند از مردم، زیرا ستّ الیه دعوت از مردم برای پذیرفت حق و انتقام حجّت بر انان اسّت و اگر این دعوّ نبود! "لولا دعانکم" مردم ارزشی ندارند. اگر آنان را موجود برتر و ارزشمند می‌کنند، هم‌آن پذیرش دعوت خداوند می‌باشد، ولی شما دعوت الیه را تکذیب و تکذیب نمودید، پس امید خبری در شما نیست و به‌خور عمل‌تان مرسید.

خداوند در یک چا متفرمیت: «و ما خلقت اجنّ و الإنسان للایبعون» ۱۳۳ بشر را برای عبادات آفریدم و در این آیه متفرمیت: اگر دعه انسان نبود، این ارزشی
تفسیر سوره هرهقان

- سوال) اگر انگیزین است، پس چرا ما دعا می کنیم و مستجاب نمی شود؟
- جواب) شخصی به خدمت امام صادق رضی و همین سوال را مطرح کرد. حضرت فرمود: ای آداب دعا را رعایت می کنی؟ گفت: می این دعا را نمی دانم. در آیات قرآن، کتاب شریف اصول کافی و دیگر کتابهای معتبر روایت، آداب و شرایط و موانع برای استجابت دعا آمده که ما به آنها اشاره می کنیم.

شروط دعا:

۱- معرفت و تمیید خدا: «فله الاجهاد الحسینی»
۲- حسن طلب به دعا: «قایی قرب اجیب»
۳- اصرار بر دعا: «آوای مبیب»
۴- تضمین حال: «یا ایزکی طعاماً»
۵- حضور قلب: «خلصین»
۶- تولی: «استفراد الرسول»
۷- اخلاص: «ان صلایت و نسکی و معاوی و تمامی»
۸- مخایی و با تضحیر: «ادعا را ریتم تأکید و خوب»
۹- مکان های مقدس: مسجد زینب و حسین، بیر قیامت، سر قبیر علیا، شهداء مؤمنین، ولدین و...
۱۰- همای تاریخ: «هنالک دعا زکریا»
۱۱- تویه قبل از دعا: «قلموا حنیفة نغفر لکم»
 possui سوره فرکان

۱۲- دعا برای دیگران
۱۳- عمل نیک و شایسته

آیات دعا:
۱- قبل از دعا خداوند را ستایش کنید.
۲- قبل از دعا بر یایی و آم بفکر آن صواب بفرستید.
۳- قبل از دعا دورکم یم نماز بخوانید.
۴- در آغاز دعا نام خداوند را بپریبد.
۵- قبل از دعا به گناهان خود اعتراف کنید.
۶- بعد از نماز واجب دعا کنید.
۷- رو به قبیل بنشینید و دستهای خود را به طرف آسان بنلد کنید.
۸- دعا به خود را کم نشمارید.
۹- به اجابت دعا خوشگمان باشید.
۱۰- تمام نیازهای خود را از خداوند بخواهید.
۱۱- یقین به اجابت داشته باشید.
۱۲- به هنگام دعا امید شما از حمیج جا قطع باشد.

موانع اجابت دعا:

یا پیامبر اکرم بفرمودن: «خدا را بخواهید و بر اجابات آن یقین داشته باشید.»
اینک به بعضی از عواملی که موجب می‌شود تا دعا مستجاب نشود اشاره می‌کنیم:
۱- مراعات نکردن شرایط و آداب دعا.
الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:

الفعلاء من بين الأدوار، والآداب:
<table>
<thead>
<tr>
<th>تفسير سوره فرقان</th>
<th>تفسير سوره فرقان</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>32- التحقق في كلمات القرآن</td>
<td>115</td>
</tr>
<tr>
<td>33- تفسير كنز الدقائق</td>
<td>32- سوره إبراهيم، آية 38</td>
</tr>
<tr>
<td>34- تفسير نور القللين</td>
<td>39- سوره نور، آية 29</td>
</tr>
<tr>
<td>35- تفسير قرطبى</td>
<td>0- تفسير كنز الدقائق و صافي</td>
</tr>
<tr>
<td>28- سوره كهف، آية 16</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>27- سوره طه، آية 17</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>26- سوره قصص، آية 29</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>25- سوره ص، آية 31</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>24- سوره مؤمنون، آية 71</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>23- مجموعة أحاديث من ميزان الحكم من ياشد.</td>
<td>0- مقدمه تفسير سوره واقفه</td>
</tr>
<tr>
<td>22- سوره نور، آية 31</td>
<td>0- رسائل التصاف</td>
</tr>
<tr>
<td>21- مولوي</td>
<td>0- صحيف نور، جلد 20، صفحه 26</td>
</tr>
<tr>
<td>20- سوره فرقان، آية 37</td>
<td>0- تفسير مجمع البيان</td>
</tr>
<tr>
<td>19- سوره بقرة، آية 187</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>18- سوره أعراف، آية 26</td>
<td>0- تفسير نور القللين</td>
</tr>
<tr>
<td>17- التحقق في كلمات القرآن</td>
<td>32- تفسير نور القللين</td>
</tr>
<tr>
<td>16- سوره مسلاط، آية 30</td>
<td>32- تفسير كنز الدقائق و منهج الصادقين</td>
</tr>
<tr>
<td>15- سوره طارق، آية 22</td>
<td>0- تفسير نور القللين</td>
</tr>
<tr>
<td>14- سوره سبا، آية 47</td>
<td>0- تفسير نور القللين</td>
</tr>
<tr>
<td>13- سوره شورى، آية 33</td>
<td>7- التحقق في كلمات القرآن</td>
</tr>
<tr>
<td>12- سوره فرقان، آية 57</td>
<td>31- سوره نمل، آية 31</td>
</tr>
</tbody>
</table>
الف具有一定意义。
راهنمای شرکت در هشتین دوره مسابقات
سراسیری تفسیر قرآن کریم

شرکت کننده محترم:
سلام علیکم، ضمن تشکر و آرزوهای توفیق بهره‌مندی بیشتر از پیام وحی و کسب رضایت الهی و عمل به دستورات قرآن کریم در زندگی فردی و اجتماعی، توجه حضوری را به نکات زیر جلب می‌نماید:

۱- مسابقات این دوره در سه مقطع منفی با سه تکاب ویژه به شرح ذیل برگزار می‌شود:
الف) نوجوانان (۱۲ تا ۱۷ سال) - کتاب تفسیر سوره حمد و اخلاص
ب) جوانان (۱۸ تا ۲۵ سال) - کتاب صفرات مستقيم
ج) بزرگسالان (۲۶ سال به بالاتر) - کتاب تفسیر سوره فرقان

منبی با تحقیق‌سنج، فقط سال تولد شرکت کننده است و کسانی که دارای رتبه سهند در هنگام دریافت جوابی باید اصل شناسنامه خود را برای تطبیق گذشته. سی با کتاب انتخابی همراب داشته باشند.

۲- مسابقات در دو مرحله مقدماتی و نهایی برگزار می‌شود.
تفصیل سوره هرکان

۱۲۷

می‌کند و پاسخ برپسندی تشریحی را نیز در قسمت مخصوص خوش خیابن و خوانا می‌پویسد.

هر دواطلب فقط یک پاسخ‌نامه بیان خود ارسال می‌کند.

در مرحله مقدماتی، هر پاسخ صحیح ۳ امتیاز خواهد داشت و به ازای هر پاسخ غلط یک امتیاز منفی کرده می‌شود.

انتخاب بخش از یک گزینه برای هر سوال، پاسخ غلط منظر می‌شود.

پاسخ نامه های مرحله مقدماتی توسط ستاد اقامه نماز استان صحیح می‌شود.

نتایج آزمون مرحله مقدماتی ا域名 برگزاری و راه اندازی‌های مرحله نهایی توسط ستاد اقامه نماز استان اعلام می‌شود.

مهمت تحول پاسخ نامه به پست یا به ستاد اقامه نماز استان یا شهرستان حداکثر ۳۰ تا تاریخ ۸۵/۸/۱۰ است.

در مرحله مقدماتی به تمام کسانی که حداکل ۲۷/۵ امتیاز را کسب کرده اند لوح تقدیر و به شرکت کنندگان جوایزی اهدا می‌شود و افرادی که می‌توانند در مرحله نهایی حضور بیابند کند معرفی خواهند شد.

تفصیل سوره هرکان

۱۲۱

مرحله مقدماتی به صورت غیر حضوری است.
شرکت کنندگان پاسخ‌های را با توجه به برپسندی پایانی کتاب تکمیل کرده و از کتاب جدا می‌کنند و در پاکت پستی قرار می‌دهد و بعد از نوشتن نشانی، از طریق پست به ستاد اقامه نماز استان محل سکونت خود ارسال می‌کنند یا تحول می‌دهند. دو طرف دوباره در صورت توافق می‌توانند تصویر پاسخ‌نامه را نزد خود نگه دارند، (نشانی ستاد اقامه نماز استان‌ها همراه کتاب تقدیم می‌شود)

سوالات آزمون مرحله مقدماتی و نهایی به صورت ترکیبی (چند گزینه ای و تشریحی) است.

سوالات تشریحی بزرگ نامی صحیح می‌شود که امتیاز سوالات این گزینه‌ها دو یا چند نفر از شرکت کنندگان ممتنع مساوی باشد.

پاسخ‌نامه شامل سه قسمت است:

۱. محل نوشتن مشخصات و نشانی
۲. محل پاسخ به برپسندی تشریحی
۳. پاسخ برپسندی یا کد گزینه‌ای

شرکت کنندگان مشخصات و نشانی خود را با یک خودکار آنی به طور کامل و خوانا می‌نویسند و برای پاسخ‌نویسان برپسندی چند گزینه‌ای صحیح را در مقابل شماره هر سوال با خودکار آنی پر
مرحله نهایی مساقب‌نگاری صبورت حضوری است. محل برگزاری آزمون حضوری در هنگام معرفی راه یافتنگان به مرحله نهایی اعلام خواهد شد.

با توجه به اینکه کتاب انتخاب شده در قالب برنامه‌های ویژه تفسیری از طریق صدا و سیما چهارم اسلامی ایران تدریس می‌شود. شرکت کندگان می‌توانند از برنامه‌های صدا و سیما نیز برای افزایش آگاهی و کسب داشت پیشنهاد کنند.

سناد تفسیر قرآن کریم

"سوالات تسنی" 

1- قرآن چند توزول دارد؟
الف) 587 توزول
ب) 588 توزول
ج) 589 توزول

2- با توجه به جمله «خرا و لیمان» کدام کتاب درست است؟
الف) حضرت فیض
ب) حضرت علی
ج) حضرت علی بن علی

3- کلمه «الفک» به معنای چیست؟
الف) علت
ب) دروغ
ج) نظر

4- براساس گفتگو حضرت علی گفت: «آخر خداوند تارک و تمامی به پایبربان گنج و باعث می‌داد...»
الف) یاری مقدمت می‌کرده
ب) سلب عقیده از مقدمت می‌شد
ج) سلب اعتماد از مقدمت می‌شد

5- کدام وارد غفلت می‌شده است؟
الف) سعی: آنت بر اعلهی و سپاران
ب) نفوذ: اظهار غیظ و شدت خشم
ج) زیر: خوشحالی

6- براساس گفتگو امام صادق در آیه 12 مارا از مکان نزدیک 
الف) یک سال
ب) دو ماه
تهيأ هو هرهو

16- كه كسانا فردأ قايمته موغويند يهست برئي شما
  حرام و ممنوع است؟
  الف (لب) فرشتان
  ج (لامان)
  د (صالح)
  16- در روايات مصداق كسانا كه اعمالشان بوي مو شود كح
  أفراد معرفي شده ائذ?
  الف (لب) كسانا كه نقله حرام بيرهيز دارنند
  ب) كسان كه نبست به علي بن ابي طالب و شيعان أو بعض
  و كينه دارنند
  ج) كسانا كه مرتكب صغيره مو شوند
  د) الف و ب
  15- كدام واثغ غلط است؟
  الف (لب) مينهور = برانوند شده
  ج (عاف) = طوفاثي
  16- كلهمه «مقبل» به منا ينشت?
  الف (لب) استراحه نيمز
  ج (استراحه همراه با خواب) = نصرا و خواب
  17- كدام كلهمه استفاده شده كه زنول فرشتان در قايمت
  نزول خاصي است؟
  الف (لب) بوم تشقق السما بالغمام
  ب) الملك يومند الحق
  ج (ب) لوئا الملوكه تزيلا
  18- در قايمت بيمابي اسلام در بيشقا الهي شكيت مي كند
  كه جيزي راهتجز قرار دادند؟
  الف (لب) نميز
  ج (قدر)
  د (ح)
  19- كدام كرحي قزتاني است؟

5) د (جامسال)
  7- كدام واثغ در يا 13 استفاده شده كه قريبا دوزخيان?
  الف (لب) دعا
  ج (توره)
  8- جمله «انت قلت للناس اتخذني و امي الهين من دون
  الله» خلاب ب كيس؟
  الف (لب) حضرت عيسى
  ج (حضرت محمد)
  9- كدام غزنين استفاده شده كه غاهي سمال برای فهميدن است؟
  الف (لب) فانشاو اهل الذكر
  ب) استقلال للناس اتخذني و امي الهين من دون الله
  ج (انهدعو مه منا
  د) لاكينت الهوي
  10- جمله «فقد كنوكم» در يا 19 خطله به كدام يك از
  كرهه زير است؟
  الف (لب) مردق
  ج (مهركان)
  11- كدام كلهمه استفاده شده كر مري بايد با مردم حشر و
  نشر داشته بايد؟
  الف (لب) بيمابي في الأسواق
  ب) مالاننا قبل با
  ج (اختبرون)
  12- «عنو» به كدام معنا است؟
  الف (لب) بيدرين نوع ظلم
  ب) استهزاء
  ج (قفاير نايباند)
الب: جمعي إزاء بيامبر دشين ذاته اند.
(ج) أندکی از پیامبر دشین ذاته اند.
(د) اینکه مراد از تریلی، حفظ وقف و ادای حروف است از کیست؟

الف: امام باقر (ع) (ج) امام صادق (ع) (د) امام جواد (ع)

21- وزیر حضرت موسی (ص) کسی بود؟ (لف) بیشمار
(ج) هاورون
(د) شیعی

22- کدام كلمه در آیه ۴۴ استفاهه شده که در تبلیغ گاهی
اعزام بیش از یک چند نام است؟ (الف) ادیبه
(ب) قطلا
(ج) کذبایایا
(د) فرمان‌نامه‌نام

23- کدام یک از اقوام زیر درخت را پرستش می‌کردند؟ (الف) عاد
(ب) مورود
(ج) اصحاب رس
(د) شیعی

24- بر اساس آیه ۴۴ چه چيزی مربوط می‌گذارد؟ (الف) ترمیم
(ب) بر اساس نفی
(ج) مقدرات مفیدی
(د) شیعی

25- چه کسانی در قرآن مجد تشیب به امام و چه پیامبان
شده‌اند؟ (الف) بیشتر کفار
(ب) جمعی از کفار
(ج) اندکی از کفار
(د) همه کفار
تفصیل سوره هرگز

۱۲۹

۳۳- از کلمه جمله استفاده شده که نظام قیامت براساس رحمت است؟
۳۴- خلق السموات و الأرض و.. الرحمن (ب) فسلت به خبرای الرحمن (ج) الرحمن علم القرآن د) کتب علی نفسه الرحمن لیجمعیم
۳۵- به گفته امام باقر این منظور از پروج در آیه «تبارک الذي جعل في السماء بروجا او کدام است؟»
۳۶- خورشید (ب) ماه (د) ساختگان
۳۷- امام صادق در مورد چیران نافله شپ در روژ به کدام آیه این سوره استدلال کردهاند؟
۳۸- (ب) ۶۱ (د) ۶۳ (ج) ۶۴
۳۹- کدام یک از گزینه‌ها زیر در موضوع عبادات مضمون آیات قرآنی است؟
۴۰- جن و ارس ناپاید وم جرای عبادات (ب) عبادات کن نبا یقین بررسی (ج) عبادات شناسن اراذل و شخصیت انسان است (د) و (ب)
۴۱- اگاه باشید با... درد آرام می گیرد (ب) یاد خدا (ج) روزه (د) صبر و پایداری
۴۲- امام حسن ابی فطیری برای چه خواستار یک شب تاخری در جنگ شده؟
۴۳- (ب) تبدیل در امور جنگ (ج) امام حجت در دشمن (د) امام حجت بر پاران خوابش
<table>
<thead>
<tr>
<th>تعیین</th>
<th>تعریف</th>
<th>جمع</th>
<th>یک</th>
<th>دو</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>26</td>
<td>1</td>
<td>2</td>
<td>2</td>
<td>2</td>
</tr>
<tr>
<td>27</td>
<td>2</td>
<td>3</td>
<td>3</td>
<td>3</td>
</tr>
<tr>
<td>28</td>
<td>3</td>
<td>4</td>
<td>4</td>
<td>4</td>
</tr>
<tr>
<td>29</td>
<td>4</td>
<td>5</td>
<td>5</td>
<td>5</td>
</tr>
<tr>
<td>30</td>
<td>5</td>
<td>6</td>
<td>6</td>
<td>6</td>
</tr>
<tr>
<td>31</td>
<td>6</td>
<td>7</td>
<td>7</td>
<td>7</td>
</tr>
<tr>
<td>32</td>
<td>7</td>
<td>8</td>
<td>8</td>
<td>8</td>
</tr>
<tr>
<td>33</td>
<td>8</td>
<td>9</td>
<td>9</td>
<td>9</td>
</tr>
<tr>
<td>34</td>
<td>9</td>
<td>10</td>
<td>10</td>
<td>10</td>
</tr>
<tr>
<td>35</td>
<td>10</td>
<td>11</td>
<td>11</td>
<td>11</td>
</tr>
<tr>
<td>36</td>
<td>11</td>
<td>12</td>
<td>12</td>
<td>12</td>
</tr>
<tr>
<td>37</td>
<td>12</td>
<td>13</td>
<td>13</td>
<td>13</td>
</tr>
<tr>
<td>38</td>
<td>13</td>
<td>14</td>
<td>14</td>
<td>14</td>
</tr>
<tr>
<td>39</td>
<td>14</td>
<td>15</td>
<td>15</td>
<td>15</td>
</tr>
<tr>
<td>40</td>
<td>15</td>
<td>16</td>
<td>16</td>
<td>16</td>
</tr>
<tr>
<td>41</td>
<td>16</td>
<td>17</td>
<td>17</td>
<td>17</td>
</tr>
<tr>
<td>42</td>
<td>17</td>
<td>18</td>
<td>18</td>
<td>18</td>
</tr>
<tr>
<td>43</td>
<td>18</td>
<td>19</td>
<td>19</td>
<td>19</td>
</tr>
<tr>
<td>44</td>
<td>19</td>
<td>20</td>
<td>20</td>
<td>20</td>
</tr>
<tr>
<td>45</td>
<td>20</td>
<td>21</td>
<td>21</td>
<td>21</td>
</tr>
<tr>
<td>46</td>
<td>21</td>
<td>22</td>
<td>22</td>
<td>22</td>
</tr>
<tr>
<td>47</td>
<td>22</td>
<td>23</td>
<td>23</td>
<td>23</td>
</tr>
<tr>
<td>48</td>
<td>23</td>
<td>24</td>
<td>24</td>
<td>24</td>
</tr>
<tr>
<td>49</td>
<td>24</td>
<td>25</td>
<td>25</td>
<td>25</td>
</tr>
</tbody>
</table>

**سؤالات تشريحي**

1. اشکالهای کثیر در مورد قرآن و پیام (ص) و پاسخ‌های قرآن به این اشکالات را به طور خلاصه بتوییزی؟
2. «عیاد الرحمن» چه ویژگی‌هایی دارد، نام ببرید؟
پاسخ سوالات تشريحي:

سوال اول:

سوال دوم: